

پیغام امروز

شماره ۱۰۵ دوره جدید سال بیستم تک شماره ۱۵

شنبه
۲۳

تیر ۱۳۵۸
۱۹ شعبان ۱۳۹۹
۱۴ ژوئیه ۱۹۷۹

نکته در خوزستان هست و قرار است در کردستان پیش آید. فرز برادر کشی چه نام دارد؟ آزادی، حق مردم ایران است. صادقانه با امپریالیسم دشمن آید. ایران را بجان هم نیندازید.

بر اثر برخورد مسلحانه پاسداران با راهپیمایان: تظاهرات دیروز آبادان بخون کشیده شد

آبادان - دیروز گروهی از مردم از ایستگاه ۸ دست به راهپیمائی زدند. راهپیمایان با شعارهای مرگ برخلخال و اتحاد عرب و عجم در خیابانهای آبادان به تظاهرات پرداختند. بر اساس گزارشهای رسیده از آبادان تظاهرکنندگان حدود ۳۰۰ نفر بودند. تظاهرات به مقابله با پاسداران در این محل پاسداران از راهپیمایان تعداد زخمی ۳۵ تن گزارش شده است. **شیخ عیسی آل شیبیر: انفجار منطقه نزدیکست - مانعی توانیم پیش از این مردم را آرام نگذاریم**

خواستند که متفرق شوند. اما تظاهرکنندگان به عنوان اعتراض روی زمین نشستند. گروهی از پاسدارها که روی پشت بامها بودند شروع به تیراندازی کردند. مردم وحشت زده برخواستند، اما پاسداران

بروند و از او خواستند فیلمهایش را به آنها بدهد. اما خبرنگار گفته است من با اجازه دولت ایران فعالیت نمیکنم و فیلم یادآورم را هم در صورت لزوم به دولت میگویم. در اینجا دولت مسئولی ندارد. و بر سر گرفتن فیلمهای خبرنگار پافشاری میکنند. **بقیه در صفحه ۸**

انقلاب در طلسم امپریالیسم

قانون اساسی، لبریز از ابهام است. و جای آنکه بحث از شناخت حقوق مطلق حاکمیت مردم و نحوه انتقال و بیان آن در قانون باشد، مباحث انتزاع قدرت از مردم، در اشکال مختلف، مورد توجه کارگردانان قرار دارد. و برای چیدن زمینه تمرکز مجدد قدرت، در یک محور، و شبکه مهارکننده، ناگهان چشمها همه به سوی ارتشی دوخته شده است که هنوز هم شبانه، از بدگمانی به آن، خواب ندارند. مشکل بزرگ اینست که نه رفورمیستها، و نه روحانیت طالب حکومت، به واقعیات جاری جامعه، توجه دارند. آنها نیز، در طلسم تیرنگهای شصت ساله اخیر گرفتارند. و تا از طلسم توطئههای امپریالیسم رهایی نیابند، و در عمل به حقوق انسانی، و ضرورت حفظ و پاسداری این حقوق، در سراسر کادر جغرافیایی ایران، میدان ندهند، راه حل مشکل هموار نخواهد شد.

در آغاز انقلاب مشروطه، چاره مشکل مرکوب شیخ محمد خیابانی، قیام جنگل، قیام کلک در خراسان نبود. و تمام این اعمال مقدمه سوار شدن و نابودی آزادی گردید. حالام، چاره مشکل کنونی، مرکوب مطالبات معقول، و قابل گنجهیدن در قالب تمامیت و یکپارچگی ایران، در **بقیه در صفحه ۲**

کردستان آبستن حوادث خونین

● جعل و تحریف آشکار و بیشرمانه واقعات نشانه توطئه بزرگی است که علیه خلق کرد تدارک دیده شده

● مسئولیت مستقیم آنچه روی دهد تنها متوجه هیأت حاکمه خواهد بود

سازمان چریکهای فدایی خلق ایران شاخه کردستان، ضمن انتشار بیانیهی خطاب به خلقهای مبارز ایران از توطئههایی که در کردستان نسبت به خلق کرد صورت میگیرد، برده برداشت، در بیانیه آمده است:

خلقهای مبارز ایران! از توطئههایی که در کردستان نسبت به خلق کرد صورت میگیرد با خبر شوید! خلق تشنه دیده کرد که همراه سایر خلقهای مبارز ایران دستگاه سرسپرده پهلوی را بگور **بقیه در صفحه ۸**

در حادثه قطار تهران - مشهد ۹ مسافر کشته و ۶۰ نفر زخمی شدند

یادی تهران اعزام و اکثر آنها بطریق سربایی معالجه و مرخص گشتند.

پورسی علل حادثه ساعت ۱۵ و ۱۸ دقیقه پنجشنبه قطار سریع السیر ۴۰۵ بعد از ظهر تهران - مشهد که ۷۴۰ مسافر داشت، در ایستگاه کویر واقع در ۳۵ کیلومتری گرمسار از خط خارج شد و ۷ واگن از ۱۲ واگن قطار به روی زمین غلتید. هنوز علت از خط خارج شدن قطار مشخص نشده است. خرابکاری در خط و سرعت زیاد قطار از عللی است که برای بوجود آمدن این حادثه ذکر میشود. **بقیه در صفحه ۸**

فائزوی اجتماعی: دسته گل شیراز

پس از ۶۰-۵۰ ساله قانع رادیو تلویزیون را که یادگان هست. این پس از سالخورده، هر وقت قرار می شود وارد مقولات سیاسی، و اظهار نظرهای آدمسهای بزرگ بشود، دسته گل به آب می دهد که می تواند هفته ها موضوع فوخی باشد. از جمله آقا پس ۶۰-۵۰ ساله، **بقیه در صفحه ۲**

گلوله باران کارگران منطق همیشگی حکومتهای ضد مردمی است

به مناسبت بزرگداشت خاطره مبارزات خونین نفعگران در ۲۳ تیر ۱۳۲۵، سازمان چریکهای فدایی خلق طی پیامی به اجتماع کارگران پیشرو، اعلام کرد: بدون وجود حاکمیت کارگران و سایر اقشار خلق، تمام حکومتهای **بقیه در صفحه ۲**

تحریریه کیهان آزاد: باز گشت به کیهان خدمت به سانسور و اختناق است

حاضر به قبول شرایط تحمیلی صاحب مؤسسه نیستیم.

خود و بیجان دوستان و همکاران خود باز میگردند. چون با درج این خبر، از این پس مسئولیت اجتماعی و وجدانی سطر به سطر مطالبی که در کیهان منتشر می شود، به عهده نویسنده گانی است که در آن کار می کنند، لازم میدانیم مسایل زیر را به اطلاع ملت ایران، برسانیم: ۱- ۲۰ عضو اجرایی تحریریه کیهان، همچنان بلا تکلیف هستند، و علیرغم کلیه اقدامات قدیمی کیهان... اکنون به خانه **بقیه در صفحه ۸**

نکته و نگاه:

روزنامه اطلاعات از وزیر ارشاد ملی نقل کرده است که: به مطبوعات بجای امتیاز «تصدیق نامه» داده می شود. در متن اصلاحی وزارت ارشاد ملی هم، برای آنکه بحث انتقاد از «امتیاز» کوتاه شود، زحمت کشیده اند، و هر جا «امتیاز» بوده، تصدیق نامه کرده اند.

البته، این اندازه انتقاد نویسی، نشان حسن نیت است ولی درست مثل آنکه مجبورند گنه گنه را به خورد بیمار بدهند، حالا به شکل رایج و شناخته شده ممکن نشد، با تغییر نام، و بسا ریختن درون کپسول!

امارتی، با تمبیر نام، چه چیز عوض می شود؟ آزادی بیای، برای روزنامه **بقیه در صفحه ۸**

جای توضیح به روزنامه اعلام جرم به دادستان کل انقلاب

بسمه تعالی

اعلام جرم علیه روزنامه پیغام امروز به دادستان محترم کل انقلاب اسلامی:

روزنامه پیغام امروز در شماره ۸۳ مورخ ۲۲/۳/۱۳۵۸ مطلبی تحت عنوان (۳۴ استادان تفرسای قنی بابل دست به اعتصاب زده اند) **بقیه در صفحه ۲**

۲۳ تیر: یادی از آغاز شکوهمند جنگ آشتی ناپذیر زحمتکشان ایران با جهانخواران آمریکایی

۲۳ تیرماه ۱۳۳۰ نخستین تجربه خونین مردم ایران در برهه شکل گرفته ضد امپریالیسم بود.

در حالی که دولت در دست مبارز ضد امپریالیست، دکتر صدوق بود، در قلب دولت، عوامل سرسپرده امپریالیسم بطور فعال حضور داشتند. و رهبر مبارزه ضد امپریالیستی، که به رابطه دقیق مبارزه طبقاتی با مبارزه ضد امپریالیستی - یا ضد استعماری - عقیده نداشت، یا خوشبینی علاوه بر مقام های نظامی، وزارت کشور را نیز به این عوامل داده بود.

امپریالیسم آمریکا، در این دوران، هنوز برای طبقه متوسط و در پیست برای طبقه بالای جامعه، چهره بچی و مطبوعی داشت. و فقط زحمتکشان، و روشنفکران متحد آنها، که مستقیم با این قدرت سیاه درگیر بودند، می دانستند پوزواری ایران چگونه در جنگ فریفت اسیر افتاده است، و داره خود را **بقیه در صفحه ۷**

لایحه مطبوعات طرحی نه انقلابی و نه آگاهانه و مشکل کشا (۱۲) گناه بزرگ در حق روحانیت

گویی وزارت ارشاد ملی، علیه مطبوعات، هنگامی که پوشش موجبی میدامی کند، سپه گین تر و رشیدی تر می شود. مواد ۱۷ و ۱۸ طرح پیشنهادی قانون مطبوعات را، نگاه کنید: ماده ۱۷ - هر کس مقاله ای موهن به احکام واضح و اساس دین اسلام و ضرر به انقلاب اسلامی ایران انتشار دهد به یک نامه سال حبس محکوم می شود.

مومن و ضرر، لغت های کشدار است و هیچ مرزی ندارد. اساس دین اسلام، و نیز اساس هر دین دیگر که در قلمرو ایران، مستتر و دارای امنیت شناخته شده است، باید از امنیت محفوظ باشد. ولی موهن یعنی چه؟ اگر کسی، یادآوری کند، حد فرمی جاری کردن در سر چهارراه ها، و سلب از دین به انسان، معایر با حیثیت و شرافت انسانی است. **بقیه در صفحه ۷**

چهلمین روز اعتصاب غذای «سعادت» در سیاهچال اوین

انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه صنعتی مگر نظام ملوک الطوائفی است که هر کس با دار و دسته اش منطقه‌ای را در اختیار گرفته

بیش از ۲/۵ ماه از دستگیری و شکنجه محمدرضا سعادت توسط کمیته مستقر در سفارت آمریکا گذشت. مجاهد اسیر چهلمین روز اعتصاب غذای خود را نیز در سیاهچال اوین پشت سر گذاشت، بدون اینکه دولت یادگیر مقامات مسئول اقدامی برای آزادی یا محاکمه او انجام دهند.

«انجمن دانشجویان مسلمان دانشگاه صنعتی شریف» دبش طی بیانیه‌ای اعلام کرد که هر خطری که متوجه جان مجاهد اسیر سعادت می‌گردد، کسانی مسئول هستند که عمداً در رسیدگی به پرونده او تأخیر می‌کنند. در بیانیه آمده است:

شواهد نشان می‌دهد که مسئولین مربوطه از پیگیری پرونده سعادت سخت درمانده شده‌اند و می‌خواهند با امروز فردا کردن و ایجاد تأخیر و کندی در رسیدگی به وضعیت وی خود را از سبیلک نجات دهند. در این بین بی‌ارزش‌ترین چیز نزد آنان جان مجاهد اسیر است. برای آنها اصلاً این مسأله مطرح نیست که حالا با به تأخیر انداختن رسیدگی به پرونده او ممکن است جان وی به خطر بیفتد. بعنوان نمونه اخبار متعدد شد و نقیض در باره محاکمه سعادت را در اینجا می‌آوریم تا ببینید که دست اندرکاران این ماجرا چگونه قول می‌دهند و سپس خیلی ساده آن را زیر پامی گذارند. در بیانیه پس از ذکر شواهدی از مطبوعات، آمده است:

مثل اینکه کار مملکت حساب ندارد! اگر اینطور نیست پس چرا پس از قریب ۳ ماه یک مرجع

مصر به اسرائیل نفت می‌فروشد

در خاتمه لازم است که پشتیبانی خود را از تائید مجاهدین خلق ایران مبنی بر ارجاع پرونده مجاهد اسیر به دادگستری ونحوه عملی محاکمه او (چنانچه محاکمه‌ای در کار باشد) و حضور هیئت منصفه در دادگاه اعلام داریم و تصریح نماییم که مراجعی که در این مدت، در ضدیت با مجاهدین خلق از هیچ تمهت و غرض ورزی و دروغ و افترای بیشترانه فروگذار نکردند صلاحیت رسیدگی به این پرونده را ندارند. هر دادگاه دیگری بجز دادگستری، برای رسیدگی به این پرونده تشکیل گردد چیزی جز ادامه همان غرض ورزی‌ها و حیل‌گری‌ها و دروغ‌ها و غیره از سوی ولی این بار دزیر لوی قانون و عدالت نخواهد بود. خاطره بیدادگاههای دوران دیکتاتوری هنوز از ذهن ما محو نشده است. ما هنوز محاکمه قلابی شهید سہتی رضائی همزم مجاهد اسیر محمدرضا سعادت و خیمه‌شب‌بازی‌های که بنام «دادگاه محاکمه» برای انداختن فراموشی مردم و برپایی مطبوعات رادیو تلویزیونی و برخی مطبوعات نیز باید توجه داشته باشند که وارونه جلوه دادن مطالب هرگز نمی‌تواند مانع از آن شود که مردم حقیقت را دریابند و همانطور که گذشته و عمل کرد تمام انحصار طلبان و دروغ‌پردازان رژیم دیکتاتوری نیز نشان داده است بالاخره مردم حق را از سباطل و دروغ و از دست تشخیص خواهند داد.

انقلاب در طلسم امپریالیسم

بقیه از صفحه ۱

کردستان، خوزستان، آذربایجان، و سایر استانهای ایران نیست.

باقانون دادگاه‌های فوق‌العاده، شاید بتوان ریشه آزادی را به بهای هزاران قربانی دیگر، خشکاند، ولی بعد از تحمل مرارت بسیار برای این خشکانیدن چشمه‌های حق‌طلبی، و حیات، تازه، نوبت خشکیده شدن قدرت خود شما می‌رسد. و یک رضاخان، پیوسته، حتی در صفوف ازهم پاشیده و جیره موجب عقب افتاده قزاق، پیدا می‌شود که در لحظه مناسب و زیر حمایت اجنبی، تیر خلاص را به پیشانی شما می‌خالی کند.

آزادی و حق طلبی را به دادگاه فوق‌العاده کشاندن، کارگران حق‌طلب زنجاران را ۱۵ نفر یکجا با گلوله پاسداران مجروح کردن، تدارک قوا برای سرکوب مطالبه خودمختاری. یعنی حق برخورداری برابر از آزادیهای قانون اساسی با تمام مردم کشور - در استانهایی که زیر ستم مضاعف دیکتاتوری بوده‌اند، پیدا کردن راه‌های وصله‌گری شیرازه گسیخته شده ارتباط با نظام امپریالیستی، راهی نیست که شما، دولت موقت انقلاب، و شورای انقلاب اسلامی، باید پیش می‌گرفتید، راهی است که شما را به دشمن کامی سوق می‌دهد. و باید درباره آن بیشتر و دقیق‌تر بیندیشید. اشتباهی که دکتر مدنی در خوزستان کرد، راه را برای دشواریهای امروز گشود.

امروز، در خوزستان، کردستان و جاهای دیگر، شما جای منطبق، تن به کور کردن بیشتر گره‌های مشکل ندهید. «قیاده موقت» را می‌شناسید، این گروه، مارک خدمت به امپریالیسم دارد. به آن اعتماد نکنید. مردم ایران، از هر تیره پیشتر برای شما در غور اعتمادند. خنجر اسرائیل و آمریکا را در دستهای پر کینه «قیاده موقت» به بینید.

اعلام جرم

بقیه از صفحه ۱

در صفحات اول و آخر خود چاپ کرده بود که بدلائل زیر از نظر اینجانب خلاف واقع بوده و مستوجب تعقیب قانونی می‌باشد. قبل از بیان دلائل، لازم است چند نکته را باستحضار آن مقام برسانم:

دانشجویان رشته مکانیک دانشسرای عالی فنی یابل طی نامه‌ای با امضای ۲۵۸ نفر (از ۳۲۵ نفر) که فتوکپی آن ضمیمه است بدلائلی که در شورای هماهنگی موسسه مطرح کرده‌اند خواستار اخراج ۴ نفر از معلمان آن گروه شده‌اند که شورا پس از تجزیه و تحلیل مسئله و بحث و تبادل نظر های مکرر تصمیم گرفت که به کار ۲ نفر از آنها که قراردادی بوده و مدت خدمت آنها روزه اتمام بود خاتمه دهد و با انتقال ۲ نفر دیگر که رسمی بوده‌اند موافقت نماید.

نکته دیگر اینکه نامه مورد بحث در روزنامه بدون امضاء بوده و مسئولیت آن معلوم نیست. پیغمده چه فرد یا افرادی است؟ و بالاخره اینکه اینجانب سرپرست انتخابی دانشکده بوده و باری اکثریت قریب با اتفاق اعضای آموزشی، اداری و دانشجویان انتخاب شده که هنوز هم مورد تائید آن اکثریت می‌باشم.

و اما دلائل:

پیغام امروز مطلب خود را چنین آغاز میکند:

۳۴ تن از اعضای هیئت علمی دانشسرای عالی فنی یابل از روز ۲۳ خرداد بعنوان اعتراض به مدیریت دست باعصاب زده و از شرکت در کلاسها خودداری میکنند.

۱- فقط ۲ نفر هیات علمی طبق بیانیه‌ای که فتوکپی آن ضمیمه است ملاحظه می‌فرمائید

که این گروه در ابتداء ۲۶ نفر بوده‌اند نه ۳۴ نفر که ۳ نفر آنها متوجه توطئه گروه شده و بلافاصله از جرگه آنان خارج گشته و نیز ۱ نفر اخراجی ۲ نفر انتقالی ۲ نفر حق‌التدریس آموزش و پرورش یک نفر مامور به خدمت، ۲ نفر تکنیسین ۹ کارشناس قراردادی ۴ نفر کارشناس رسمی آموزشی بنابر این فقط ۲ نفر عضو هیات علمی (مربی) می‌باشند. پس موضوع ۳۴ نفر عضو هیات علمی مغرضانه و خلاف واقع است.

۲- مبارزه با دانشجوی تعطیل آموزش یا استعفای سرپرست!!! در قسمی از نامه مندرج در روزنامه آمده «... ماعاشای کادر آموزشی دانشسرای عالی فنی یابل خواهان استعفای فوری آقای عباس روشنی رئیس دانشسرا بوده و تا استعفای ایشان، از رفتن به کلاس و انجام امتحان خودداری خواهیم کرد...»

در مورد پاره جمله «ما اعضای کادر آموزشی» در بالا توضیح داده شد که معلوم است اینها چند نفر از مجموع ۸۰ نفر کادر آموزشی تمام وقت و حق‌التدریس این موسسه هستند. و اما سؤال اینست که درخواست استعفای سرپرست انتخابی موسسه از طرف عده‌ای محدود چه ربطی به تعطیل کلاس و امتحان دارد؟ در حقیقت این نوع مبارزه با دانشجو سرپرست و بالاخره اخلال در نظم دانشسرای عالی فنی یابل

فانتری اجتماعی

بقیه از صفحه ۱

تازگی‌ها، سفری به شیراز کرده بود، و آنجا، با تصور اینکه برای جیکلش زشت است که حرفهای آدمهای بزرگ را تکرار نکند، گرفتار بلبلی‌زبانان شد و بنابر توتشه روزنامه آیندگان، ادها کرد:

«جسمی از حقوقدانان و کسانی که در مدت پنج سال گذشته اموال سی حساب اندوخته و یا به خارج انتقال داده‌اند دست به دست هم داده و در سددند که قانون اساسی جمهوری اسلامی ما را از بین ببرند.» و «اکثر این توطئه‌ها از جانب کارگزاران رژیم گذشته است، از جمله روزنامه‌ها برای بالا بردن تیراژ خود هر روز مقالاتی بر ضد انقلاب اسلامی به چاپ می‌رسانند.» البته شیرازی‌ها را که می‌شناسید، مردم همان - دوستو آداب‌دانی هستند، ولی شک ندارم وقتی که منبر آقا پسر ۵۰-۶۰ ساله را ترک می‌کرده‌اند، به هم درگوشی و پیچیدگان یادآوری کرده‌اند، این حرفهای کاملاً علمی و سیاسی و انقلابی و استعاشی را که مثل ندارد، در اسلام و خورمیا نه و

وحدت در عمل
مقدم بر وحدت
در کلمه

دانشسرای عالی فنی یابل

عاشی روشنی - سرپرست

قانونی او را دارم.

کلماتی مانند دیکتاتوری، تسویه

پس بازی کردن با الفاظ و

در عمل بشمار می‌آید.

قدرتها در حکومت،

تأثرماندهان، نقطه‌نهایی

موارد، از دادگاه

در ارتباط مستقیم با تمام

برخوردار باشد. امام

و هرچه کرد، از قبول امام

سیاستی رابه اجرا سپارد

انقلاب، کافی نیست که

محور دولت-شورای

قوای ثلاثه می‌دهد.

اساسی، شکل تازه‌ی

انحکاس آن در قانون

در باره حکومت داشت که

رهبر سیاسی و روحانی انقلاب

برداشت تازه‌ی از سیاست که

اینکه، اکنون، می‌توان

اما، مطلب دقیق‌تر

طبیعی است که این

بی‌اطلاعی کرده‌اند.

تشکیل میشود، اظهار

ویژه انقلاب که در دادگستری

ندارد. و امام از دادگاه

است، و قدرت اجرایی

انقلاب اسلامی، مردم

امام، و از نظر دادگاه

افزایش ما محکوم مردم

قوانین دادگاه انقلاب

یک قوانین جدید باشد

بشود که از قضات شرع نیاید

اگر بنشیند که تنگ

فوق‌العاده در دادگستری

بقیه از صفحه ۱

درحاشیه

قانون اساسی، در برابر افکار عمومی

در نظرخواهی پیرامون قانون اساسی گفت و گوئی داشتیم با دکتر هادی اسماعیلزاده وکیل دادگستری و عضو شورای هیئت جمعیت حقوقدانان ، متن این گفت و گو را می خوانید :

بنظر شما مسئله مالکیت در قانون اساسی چگونه باید نظر گرفته شود؟
در اصل ۴۰ «مالکیت شخصی که از راه مشروع بدست آید» منظم شده و برای اطمینان خاطر این حق در اصل ۴۱ تضمین شده است جالب این است که حتی بناهای دولتی و اموالی که جنبه ملی نیز دارد با تصویب مجلس شورای ملی قابل انتقال است. به موجب اصل ۴۷ «مالکیت خصوصی در صنایع کشاورزی یا بازرگانی در صورتیکه وسیله آزار یا تجاوز به منافع عموم می شود ، بنا بر صورتیکه مجلس شورای ملی اعلام می گردد» شوالی که پیش می آید این است که تشخیص تجاوز به منافع عمومی با کیست؟ تجاوز به منافع عمومی چگونه تحقق می یابد و بورژوازی ایران چگونه قادر است آنچه را که متعلق به خود اوست ملی اعلام کند؟ و یا اصولا امکان دارد با قبول مالکیت فردی و قبول اداره صنایع و بازرگانی توسط بخش خصوصی بتوان از تجاوز به منافع عمومی جلوگیری کرد؟ اگرچه ترس هیئت حاکمه از پذیرش اصول سوسیالیسم با توجه به منافع طبقاتی آنان قابل توجیه است اما شرایط عینی

گفتگو با دکتر هادی اسماعیلزاده

اضطراری را اعلام جنگ دهند و یا متارکه کند بدون آنکه بتواند تشخیص حالت اضطرار را بدهد. بموجب اصل ۱۰۰ رئیس جمهور می تواند جلسه هیئت وزیران را اداره کنند نخست وزیر قادر به عزل وزرای خود جز با تصویب رئیس جمهور نیست با این همه به موجب اصل ۹۶ نمایندگان مجلس حتی حق بحث در مورد پیامی که رئیس جمهور به مجلس می فرستد را ندارند، بنظر می رسد تهیه کنندگان پیش نویس بجای آنکه به حاکمیت مردم پیاندهند تحقق ولایت فقیه را در نظر داشته اند.

مسئله خودمختاری خلقها در قانون اساسی چگونه مطرح شده است.

یکی از اولین اقدامات قدرت حاکمه از فرادای سقوط رژیم فاسد پهلوی توطئه برای سرکوب جنبش های خودمختاری ایران است، زیرا فقط سیستم تمرکز قدرت است که رژیم می تواند از طریق اعمال دیکتاتوری در حفظ روابط خود با امپریالیزم توفیق یابد. کودتاهای ۱۲۹۹ و ۱۳۳۲ و حوادث کردستان، نرده، خرشهر و ترکمن صحرا مبین این واقعیت است که رژیم سرمایه داری با تمام نیرو در برابر خاص خلقها مقاومت می کند ، قبول این اصل خودمختاری تنها وسیله تحقق بسط دموکراسی و توسعه اقتصادی و جلوگیری از نفوذ امپریالیزم است ولی متأسفانه در طرح پیش نویس قانون اساسی نه تنها خلقهای ایران به رسمیت شناخته نشده بلکه اصل شوراها نیز از تعارف فراتر نرفته است.

قانون اساسی ظهور دیکتاتوری جدیدی را نوید میدهد

بنظر شما حقوق زنان در پیش نویس قانون اساسی چگونه است؟
تدوین اصل ۱۲ مقدمه کنار گذاشتن نیمی از جمعیت فعال امور اقتصادی و اجتماعی و بازگشت زنان به نرون گذشته است حال آنکه در یک قانون اساسی مترقی بایستی تساوی زن و مرد نه تنها در برابر قانون بلکه در حقوق اجتماعی اقتصادی و سیاسی تضمین گردد.

زنان بایستی در رابطه با برخورداری از امکانات تحصیلی ، اشتغال و فعالیت های فرهنگی و سیاسی محترم شمرده شود به علاوه تساوی دستمزد زنان و مردان در شرایط مساوی کار باید در قانون اساسی قید شود و زنان کارگر و کارمند از حمایت ویژه ای برخوردار گردند تا بتوانند ضمن اشتغال ، قدرت انجام وظایف مربوط به اداره سران را با مشارکت مردان داشته باشد . برای تضمین بیشتر حقوق زنان لازم است به قانون اساسی اصلی اضافه شود که به موجب آن کلیه قوانین عادی مغایر با اصل تساوی است

با توجه به سؤال یکی خوانندگان روزنامه در این مورد که آیا برای محاکمه ضد انقلاب در قانون وجود دارد؟ شما چه نظری دارید؟

مظاهر این نظر می رسد تدوین کنندگان قانون مورخ ۵۸۷۷۳ در نظر داشته اند این قانون در مورد تضمین رژیم قبیل اجرا شود و قانون دادگاههای فوق العاده ضد انقلاب ناظر به متهمین رژیم جدید باشند و آنچه که در قسمت دوم پاراگراف اول ماده یک و بند ۴ و ۵ همان ماده آمده است با صلاحیت دادگاههای فوق العاده ضد انقلاب در تعارض است . از نظر اصول مترقی موارد مذکور در قانون دادگاههای فوق العاده جرائم ضد انقلاب با تصویب قانون جدید نقض می شود . ولی چون سیستم قانون نویسی در حال حاضر تابع هیچ قاعده ، اصل حقوقی نیست و بجای قانون قدرت حاکم بر روابط مردم و هیئت حاکمه است ، بایستی از تدوین کنندگان این قانون سؤال کرد .

چرا بقانون اساسی

اعتراض داریم

- ۱- شکنجه و سایر عملیات ضد انسانی (که قبلا ساواک میکرد و گفته میشود فعلا اینها نیز میکنند)
- ۲- کاملاً ممنوع نشده است
- ۳- آزادی بدون قید و شرط

قانون اساسی خونبهای هزاران شهید استبداد و حکومت نظامی

است آنرا دست کم نگیرید

هر روز نمی شود یک قانون

اساسی تازه نوشت

و عصر ما، عصر قیم پروری نیست

قانون اساسی پیشنهاد شده که معلوم نیست چه کسانی آن را نوشته اند، پراست از برتری طلبی ها و موادی که یک عقیده و مذهب و قوم و طایفه را حاکم بر بقیه اجتماع میکنند مثلاً:

۱- در قانون اساسی پیشنهاد شده جای زحمتکشان (کارگران ، دهقانان و...) و حقوق مخصوص آنان در مقابل طبقات دیگر معین و مشخص نشده است .

۲- در قانون اساسی پیشنهادی خودمختاری خلقهای ایران (کرد ، بلوچ ، ترکمن و غیره) ، برسمیت شناخته نشده است .

۳- مذهب شیعه بر سایر مذاهب برتری داده شده و به این بهانه که اکثریت مردم ایران شیعه هستند تنها مذهب رسمی قلمداد شده است . این استدلال مانند آن است که بگوییم چون در انگلستان اکثر مردم سفید پوست هستند بنابراین نژاد رسمی انگلیس سفید است! واقعا عصبه دار نیست ؟

گفتگو با یک دانشجوی مبارز

سناریوی دوره مشروطه

دارد تکرار می شود

- اهداف و خواسته های حرکت های اجتماعی ، محتوی قانون اساسی را تعیین می کند و نه بالعکس .
- قدرت انقلاب ضامن اجرای قانون اساسی نیست .
- قانون اساسی باید بتواند خواسته های زحمتکشان از جمله مصادر زمینها به نفع آنان را تعیین کند .
- در متن پیشنهادی مراجع تقلید عملاً می توانند قوه مقننه را تحت اقتیاد خود در آورند .
- محاکمات سیاسی باید علنی باشد .

س : نظرتان در مورد قوانین اساسی چیست؟
ج : قوانین اساسی معمولاً پس از حرکت های اجتماعی که تغییرات مهمی در جامعه به همراه دارد ، مورد بحث و گفتگو و تدوین قرار میگیرد . روشن است که اینگونه حرکت های اجتماعی ، انقلابات ، برخاسته از خواسته های اساسی بوده و برای به ثمر رساندن و به هدف رساندن آنان پدیدار گشته اند . بنابراین می توان نتیجه گرفت که خواسته ها و اهداف واقعی انقلاب ، میبایستی جوهر قانون اساسی را تعیین کنند .

امروز متأسفانه در ایران بنظر می رسد که بحث بصورت وارونه بچلو می رود . بدین معنا که تدوین قانون اساسی از جانب لیبرالها ، حلال همه مشکلات و بازکننده راه ترقی و تعالی جلوه گر میشود . حتی از جانب دولت موقت گفته میشود ، تا زمانیکه قانون اساسی تدوین نشده ، مثلاً نمی دانند در مورد وضع کشاورزی چه بکنند !! این قانون اساسی نیست که تعیین میکند اهداف و خواسته های انقلاب ایران چه بوده و با چه باید باشد ، بلکه بالعکس اهداف و خواسته های انقلاب منبث از شرایط عینی جامعه ایران و برای تغییر زیربنای آن شرایط بوده و همین است که میبایستی در قانون اساسی تبلور گردد و این امر فقط با نیروی مادی انقلاب قابل انجام است .

بگذارید مثالی بزنم : خواسته ها و اهداف انقلاب مشروطه ایران از بین بردن کامل استبداد و قنودالیسم و کوتاه ساختن دست استبدادگران خارجی از ایران بوده است . ولیکن انقلاب نتوانست به این اهداف و خواسته ها برسد . بورژوازی لیبرال ایران در سازش با استبداد سلطنتی یک قانون اساسی نیم بند را که از نقطه نظر زیربنایی دست به ترکیب جامعه زده بود به میدان آورد و در حقیقت سعی کردند تا انقلاب را در چارچوب این قانون اساسی محصور کنند . ولی دیدیم که این قانون اساسی که لیبرالها هفتاد سال زیر پرچمش سینه زدند ، نتوانست جلوی استبداد لگام گسیخته را بگیرد و بالاخره نیروی پر قدرت انقلاب بود که پانفی هرگونه «قانونی گری» دلبند لیبرالیسم ، استبداد محمد رضا شاه را به زانو در آورد . امروز متأسفم که بگویم همان سناریوی دوران مشروطه دارد ، تکرار میشود . لیبرالهای بقدرت رسیده می خواهند انقلاب را خفه سازند !

س : تضمین اجرای قانون اساسی چه می تواند باشد ؟
ج : ضامن اجرای قانون اساسی نکته بسیار حساس خواهد بود . زیرا می توان بهترین قانون اساسی را به روی کاغذ آورد ولی اگر ضامن اجرایی نداشته باشد ، ارزش آن بیش از چند ورق کاغذ نخواهد بود . ضامن اجرایی یک قانون اساسی مترقی ، یک دولت واقعا انقلابی است که عملاً و حقیقتاً بروی نیروی توده های زحمتکش جامعه استوار شده باشد .

س : بنظر شما مهمترین حقوقی که باید در تدوین قانون اساسی رعایت شود ، چیست ؟

ج : این سؤال را در رابطه با سؤال اول می توان چنین پاسخ داد: اهداف انقلاب ایران چیست ؟ انقلاب ایران یک انقلاب دموکراتیک ضد امپریالیستی است که بوسیله زحمتکشان به پیش برده شده است . مردم زیر پرچم مذهب به حرکت در آمدند ، ولی خواسته های اساسی آنها از بین بردن امپریالیسم و استبداد بود . برای از بین بردن امپریالیسم باید کارهای مشخصی صورت گیرد . در زمینه اقتصادی ملی کردن یا مصادره کلیه اموال امپریالیستی و وابستگان آنها در کلیه زمینه های اقتصادی از صنایع وابسته گرفته تا کشاورزی و... در زمینه ارتش یا اخراج همه مستشاران خارجی و بخصوص امریکائیان ، افساء و لغو قراردادهای دوجانبه و چند جانبه با امپریالیستها ، از بین بردن نظام یوروکراتیک بر ارتش - بوجود آمدن یک ارتش انقلابی و مسلح کردن مردم برای مقابله با تجاوز بیگانگان و دفاع و گسترش دستاورد های انقلاب ، خروج و افسای همه پیمانهای امپریالیستی که رژیم شاه در آنها ضمیمه داشت و ...

در زمینه کارهای زیربنایی که بتواند خواسته های زحمتکشان جامعه را بر آورد کند مانند مصادره زمین های مالکان بزرگ و تقسیم آن بین دهقانان مستعبد شده نه تنها هنوز هیچ کاری در ارتباط با آن صورت نکرده ، بلکه در مقابل آن سرسختانه مقاومت میگردد . در زمینه آزادیهای دموکراتیک : تأیید بدون قید و شرط آزادی بیان ، اجتماعات ، احزاب ، مطبوعات ، مذهب و... برای همه نیروهای مترقی و انقلابی جامعه یا تأیید حق خودمختاری و تعیین سر نوشت برای همه خلقهای ایران از ترک و کرد و بلوچ و عرب و ترکمن یا برابری کامل زنان و مردان بصورت واقعی آن . تضمین حق آزادی امتصاب برای کارگران ، تضمین حق همه گروه های اجتماعی که در انقلاب شرکت داشتند برای تشکل و ایجاد اتحادیه ها ، سندیکاهای شوراها و...

س : در رابطه با مسائلی که مطرح کردید ، متن پیشنهادی قانون اساسی را چگونه می نگرید ؟
ادامه دارد

به تشدید استثمار کارگران و زحمتکشان می کند.

رویه بر فرقه در قانون اساسی پیشنهادی آنقدر مواد ضد خلقی و ضد انسانی وجود دارد که اگر دولت واقعا انقلابی وجود داشت بی شک افرادی را که این پیش نویس را تهیه کرده اند دستگیر و مجازات میکرد . واقعا وقتی که تهیه و تدوین قانون اساسی به افرادی واگذار شود که حتی از گفتن نامشان نیز شرم دارند نمیتوان انتظار بیشتری داشت . قانون اساسی مردمی فقط از طریق مجلس مؤسسان که نمایندگان واقعی خود مردم آنها تشکیل میدهند و خود از درد و رنج مردم زحمتکش ما آگاه هستند میتواند تدوین و تصویب شود . فقط چنین قانون اساسی میتواند حافظ منافع زحمتکشان و خلقهای ایران باشد . فقط چنین قانون اساسی از نظر ما مقدس و قابل پشتیبانی است . سازمان دموکراتیک مردم بلوچستان شاخه ابرانشهر

بورژوازی ایران و انقلاب

مقالات مسلسل، که از امروز در دو گروه «جناح راست بورژوازی لیبرال در سراسر کشور» و «جبهه گیری بورژوازی لیبرال در مقابل انقلاب» می خوانید، و ممکن است چندین هفته ادامه پیدا کند، در واقع حاصل مطالعه و بررسی آقای (ع. ۱. ۱) (محبوبیان) از مسائل جاری ایران در برخورد مینی یا استقرایی با آنهاست.

خوانندگان ما، باشیوه اندیشه و برداشت آقای محبوبیان، بسیار آشنا هستند و درین سلسله مقالات، یقین است که این یار و همکار خستگی ناپذیر پیغام امروز همچنان استقلال نظر دارند و بحث‌هایی که ایشان طرح کرده‌اند، مجبوعه پیوسته و یکپارچه بی‌ریز و رزمی مسائل جاری شش ماهه تشکیل می‌دهد، مستقیم نظر ایشانست.

جناح راست بورژوازی لیبرال در سراسر کشور

چند اصطلاح سیاسی - اجتماعی بطور مکرر و پیوسته، در این بحث مورد استفاده قرار گرفته است. به خاطر ایجاد رابطه فکری با خواننده، توضیحات زیر که فقط در چهارچوب محتوا و منظور مسایل مورد بحث قرار دارد، داده می‌شود.

۱- بورژوازی بزرگ و کمپرادور: صاحبان صنایع بزرگ (نظیر پارس متال، پارس گروتیک) - دارندگان سرمایه‌های مالی عمده (بانکداران، صرافان، عده، نزول خواران بزرگ) - زمین‌داران و زمین‌خواران بزرگ (نظیر کشت و صنعت، دانه‌های روغنی، دشت قزوین) - مؤسسات عمده خدماتی (شرکت‌های بیمه - واحدهای بزرگ مطالعه کاری - بنگاه‌های وام اعتباری) - سهامداران صنایع مختلف و مونتاژ (نظیر کاترپیلار، الکترو لولکس، توشیبا)، و نیز موسسات بزرگ وارداتی و صادراتی که نقش دلالتی سرمایه‌ی جهانی را بازی می‌کنند (نظیر لاجوردی‌ها، مهدیون‌ها، فیروزها). این قشر کوچک اجتماعی، که بر اقتصاد و سیاست کشور خودی سلطه کامل دارد، در تمام شرایط و مراحل تکاملی، پایگاه امپریالیسم و دستگاه حاکمه و ایستاده به امپریالیسم بوده و خواهد بود. لاجرم هر حرکت واقعا ضد امپریالیستی نمی‌تواند از نبرد در جهت فنا و محو این پایگاه جدا باشد.

۲- بورژوازی ملی: گروهی از - احیاناً صنایع و وسایل پیشه که لایه‌های آن از بالاترین رده‌ی خرده بورژوازی تا پایین‌ترین رده‌ی بورژوازی عمده، در تکاپو و جا به جا شدن است. این قشر نسبتاً وسیع (نسبت به بورژوازی عمده) چون برشالوده‌ی مالکیت خصوصی برای بازار تولید و پیشه استوار است، جزئی از سرمایه‌ی جهانی است و به همین جهت می‌تواند در شرایط معین (مثلاً اوج مبارزات طبقاتی) به ذخیره‌ی سرمایه جهانی تبدیل شود. و چون میزان و نرخ سود آن (استثمار) با توسعه‌ی نفوذ اقتصادی - سیاسی امپریالیسم و پایگاه‌های او به‌مخاطره می‌افتد، در شرایط مشخصی (در حالت شدت یورش همه جانبه سرمایه‌ی خارجی یا اعتدالی نهفت توده‌های ضد امپریالیستی) از تکانه‌های ضد امپریالیستی و ضد استبدادی (اقتصادی و سیاسی) جانبداری می‌کند.

۳- بورژوازی لیبرال: جناح چپ و صاحب فرهنگ بورژوازی ملی، که در همین حال قشر فعال سیاسی این طبقه است، خواهان برقراری «آزادی» و استقرار «قانون» می‌شود تا با جمع آوری اقتدار روشنفکر بورژوازی لایه‌هایی از خرده بورژوازی، راه‌حصول به قدرت دولتی و تثبیت منافع طبقاتی (استثمار) را طس کند. برداشت بورژوازی لیبرال از آزادی‌های دمکراتیک «تنگ نظرانه و محدود است، و نسبت به حقوق دمکراتیک توده‌های زحمت کش (دموکراتیسم) بیگانگی نشان می‌دهد.

۴- لیبرال‌های بورژوا (یا لیبرالیسم): آن بخش از روشنفکران و اهل فن و صاحبان تخصص (حقوق دانان، قضات و کلاهی دادگستری، استادان دانشگاه، و نظایر آنها) که با بطور مستقیم (وابستگی خانوادگی) و یا غیر مستقیم (شغلی و مقامی) با سرمایه پیوند دارند و از مشی و حرکت کلی بورژوازی ملی و بورژوازی لیبرال پیروی می‌کنند.

۵- دمکراتیسم: حق کار، حق اعتصاب، حق استفاده برابر و رایگان از تمام امکانات رفاهی، بهداشتی، فرهنگی و خدماتی موجود در جامعه. بدون دمکراتیسم، امکان استفاده موثر از آزادی‌های دمکراتیک (آزادی بیان - عقیده - مطبوعات اجتماعات، احزاب و سندیکاها) برای طبقات زحمت کش میسر نخواهد بود.

۶- خرده بورژوازی: اقشاری از اجتماع که بین استثمار شوندگان و استثمار کنندگان (بورژوازی ملی) پراکنده است. وجه تمایز خرده بورژوا از بورژوا مربوط به شرکت مستقیم خرده بورژوا در کار است. وجه تمایز خرده بورژوا از کارگر در مالکیت خرده بورژوا بر وسایل کار و پیشه اش می‌باشد. خصیصه طبقاتی خرده بورژوازی در عدم ثبات و تجزیه دائمی آنست. ورشکستگی و بخصوص بحران‌هایی اقتصادی، خرده بورژواها را به خیل مزه بگیران پرتاب می‌کند؛ بر عکس، رونق و شکوفایی بازار، اقشار بالایی آنها به درون بورژوازی ملی می‌اندازد. خرده بورژوازی بطور عمده وسعتی به توکل گرایی، آرمان‌های ذهنی (اوتوپیسیم) قهرمان پرستی، هرج و مرج طلبی، انحصار جویی عقیدتی، و پدیده‌ی به‌دموکراسی و دمکراتیسم گرایش دارد.

حوادث گذشته را چه زوداز یاد بردیم؟! مگر همین چند ماه پیش نبود که صدای اعتراض همه علیه جوهر و ظلم رژیم مستبد پهلوی بلند بود؟ از یاد بردیم حوادث سالهای قبل را و آن فضای خفقان آلود و مسموم را که کسی راپارای اعتراض و اظهار نظر نبود؟! مگر همین ما نبودیم که از اعمال ناشایست و غیر انسانی و بدمنشانه عمال ساواک - کمیته مشترک شهرپائی و ژاندارمری و ساواک رنج می‌بردیم؟ اینک چه شد که بار دیگر اجباراً میبایست همان جو حاکم بر گذشته را متحمل شویم و از همان فضای مسموم بار دیگر استنشاق نمائیم؟ تکرار وقایع شوم و مشنوم گذشته به چه معنایی است و برای چیست؟ همه مردم به خیال اینک انقلابی وقوع یافته است و دوران استبداد و اختناق سر آمده است به پیشبازش رفتند و آنرا گرامی داشتند به امید آنکه به آرمانهای خود صورت تحقق بخشند و حرفهایشان را بدون احساس ترس و لرز در فضای خالی از دلهره و اختناق بزنند و عملاً در سرنوشت مبین خویش دخیل باشند. اما اینک گویا ورق برگشته است و اختناق از در دیگر و ملبس به پوشاکی دیگر و با قیافه‌ای گرم کرده وارد شده است تا با قیامانده آزادی‌های قبلی رانیز از میان بردارد و بار دیگر سایه چتر سیاه شوم استبداد را بر این خطه وسیع بگستراند.

در حالی که آقای مهدی بازرگان خود را رئیس دولت انقلابی میدانند و دم از همکاری و وحدت می‌زنند عده‌ای خود کامة در سراسر مملکت تلاشهای مذبحانه‌ی بعمل می‌آورند که حاصل این اعمال انزجار مردم از ارکان مملکتی و پسر آمدن

موقعیت بدست آمده کنونی می‌توانست راهگشائی باشد برای آینده‌ای بهتر که مردم بتوانند آزادانه و بدون احساس ترس در کنار هم زندگی کنند و به‌سازندگی بپردازند. در حالیکه با مشاهده وضع و اوضاع پیش آمده مردم بتدریج مأیوس و دلزده میشوند. در این احوال دستبائی پنهان در تلاشند تا با شوب کردن افکار عمومی به اهداف شیطانی خود راه یابند و گروهها - احزاب و سازمانهای خلقی ملی و میهنی را نزد مردم بی‌اعتبار و بدنام کنند.

دربوش عباداللهی اختناق از سوی، هر کسی محکوم است!

عبر انقلابی‌شان و در نتیجه شکست انقلاب خواهد بود؟! آنها که امروز در کسوت مأمور دولت و کمیته انقلاب و با استفاده از مارک پاسدار انقلاب اسلامی تعرض به مال و جان - و حتی ناموس مردم را بطور گسترده جایز می‌شمرند یسار آورنده روزگاران پیشین یعنی سالهای اولیه حکومت رضاشاه میباشند که ملوک الطوائفی و فئودالیسم ولیمینیم حاکم بر جامعه بودند و ملت اسیر و مقهور این قدرت‌های زورگو. اما بعد چه شد؟ دیکتاتوری بنام رضاشاه آمد و ملت را گرفتار فاشیسم و سلیتاریسم کرد و پنجاه سال آری پنجاه سال سیاه، در چنگال این غول مهیب و خونخوار دست و پا زدیم.

موقعیت بدست آمده کنونی می‌توانست راهگشائی باشد برای آینده‌ای بهتر که مردم بتوانند آزادانه و بدون احساس ترس در کنار هم زندگی کنند و به‌سازندگی بپردازند. در حالیکه با مشاهده وضع و اوضاع پیش آمده مردم بتدریج مأیوس و دلزده میشوند. در این احوال دستبائی پنهان در تلاشند تا با شوب کردن افکار عمومی به اهداف شیطانی خود راه یابند و گروهها - احزاب و سازمانهای خلقی ملی و میهنی را نزد مردم بی‌اعتبار و بدنام کنند.

بازی با حیثیت جوامع دموکراتیک و افراد قهرمان جزاینکه در مجموع به ضرر روزیان انقلاب باشد چه سودی می‌تواند در بر داشته باشد؟! دستگیری و شکنجه و زندانی کردن افرادی چون حماد شیبانی محمد رضا سعادت با تنهامهای جعلی و کاذب در نهایت سود چه کسانی تمام میشود؟ چه کسانی مسئولیت عواقب و خیم این حوادث نکبت بار را متقبل میشوند؟ آیا آقایان وزیر دادگستری، وزیر کشور و نخست وزیر اطلاق از رویداده‌ها ندارند؟ بازداشت اعضای سازمان مجاهدین خلق و فدائیان خلق که سالها در دوازده بدترین شرایط با اتکا به ایمان

میلی و میهنی خود با رژیم ضد خلقی شاه مغفل و مبارزه می‌کرده‌اند چه انعکاسی می‌تواند داشته باشد؟ در حالیکه سازمانها - گروههای مبارز خانوادگی شهیدان و ... مداوماً علیه آقای بازرگان و دولت ایشان اعلام جرم می‌کنند و خواستار رسیدگی فوری هستند چرا بازم جوابی و پاسخی داده نمی‌شود؟ من بعنوان یک نویسنده که مسئولیتی را در قبال جامعه تقبل کرده است و نمی‌تواند غیر متعهد باشد از آقای بازرگان و تمامی کسانی که مشغول اعمال افسراد کمیته‌ها و پاسداران و دولتی میباشند مصرأ می‌خواهم هر چه زودتر نسبت به آزادی زندانیان سیاسی - اعاده حیثیت و پوزش خواهم از آنها اقدام کنند. یادآور می‌شوم رواج دستگیری‌های غیر مجاز با اتهام‌های واهی صورت ناخوشایندی داشته و می‌تواند منجر به یک جنگ داخلی گردد که اجتناب ناپذیر میباشد.

مقالات

درین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان و دوستان پیغام امروز منتشر می‌شود که در همین داشتن افق مشترک با روزنامه - دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا برداشتهای آنها از مسائل یا مشی ما یکی نباشد و ما به حرمت آزادی عقیده این نظرها را منتشر می‌کنیم.

معلمان مبارز به انتقال اجباری یا اخراج تهدید می‌شوند

نامه سرگشاده کانون مستقل معلمان تهران به نخست‌وزیر کانون مستقل معلمان تهران که در حساسترین روزهای انقلاب تاریخ ساز و شکوهمند مردم مستمکش ایران با شرکت معلمین مسئول و متمهد شکل سازمانی یافت همچنان که در گذشته، قبل و بعد از انقلاب، در برابر حملات مرتجعانه فرصت طلبان مقاومت نمود امروز مصمم تر از همیشه در جهت انجام وظایف ملی خود بدون توجه به تمام مشکلاتی که فراهم خواهد شد راه راستین خود را تا دست یابی به یک محیط سالم سیاسی، اجتماعی و آموزشی ادامه خواهد داد.

سال تحصیلی ۵۸-۵۷ یعنی سال انقلاب ملت ایران که با اعتراض و فریاد دانش آموزان و معلمان متمهد همراه مردم زحمتکش ایران اوجی تازه یافت و با مقاومت و شهادت تا کسب پیروزی ادامه یافت با درد و رنج فراوان پایان رسانندیم. روزهای غرور انگیزی که هر دقیقه اش سرنوشت ساز بود مردان افتان و خیزان زیر شلیک مسلسلها سرود پیوستن را ززمه می‌کردند. روزهای دلهره آور حوادث تلخ و شیرین که با شروب خورشید پایان نمی‌یافت و بطور کلی روزهایی که خون زنان و مردان مبارز با عقاید گوناگون در هم آمیخت، و سرود پایه یکی شویم را سر داد، تا در صبح بخیم بهمن جوانه انقلاب شکوفا شد، حکومت شاه جلا را ستلاشی کرد و با سرعت هر چه تمامتر دژهای استبداد یعنی پادگانها و مراکز جاسوسی، شکنجه گاههای ساواک، کلاش‌یها، رادیو تلویزیون و قصرهای فرعون را تصرف و همه مظاهر استبداد و استثمار را چنان پلرزه در آورد که اگر فرصت طلبان بظاهر انقلابی در مسیر حرکت توفنده ملت مانع نمی‌ساختند چه بسا که امروز حتی از نسیادهای امپریالیسم اثری نبود. امروز نزدیک به پنج ماه از حکومت دولت موقت میگذرد، در این مدت مردم جز اینکه «شاه» خون آشام و شناخته شده را بالای سر خود نمی‌بینند، عملاً تغییر محسوس را در زندگی خود از نظر اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و آزادیهای سیاسی احساس نمیکنند چرا که از یک طرف منحنی تمایش گرانی همچنان سیر صعودی طی میکند و از طرف دیگر ادارات که توسط همان سپه‌های فاسد گذشته اداره میشوند قادر به حل کوچکترین مشکل مردم نیستند. در مسایل سیاسی با آنکه شمار آزادی همه سازمانها و احزاب داده میشود، عوامل اخلاک و سرسپرده استثمار و ارتجاع، آزادی مطبوعات مستقل را هم با اشکال روپسرو کرده‌اند.

برنامه آموزشی دولت از طرفی هر چه جلوتر می‌رویم تناقض کوئی و لغافی، تغییر کلمات و توجیه لغات، سرگردانی و بیکاری، تفرقه -

ملی و میهنی خود با رژیم ضد خلقی شاه مغفل و مبارزه می‌کرده‌اند چه انعکاسی می‌تواند داشته باشد؟ در حالیکه سازمانها - گروههای مبارز خانوادگی شهیدان و ... مداوماً علیه آقای بازرگان و دولت ایشان اعلام جرم می‌کنند و خواستار رسیدگی فوری هستند چرا بازم جوابی و پاسخی داده نمی‌شود؟ من بعنوان یک نویسنده که مسئولیتی را در قبال جامعه تقبل کرده است و نمی‌تواند غیر متعهد باشد از آقای بازرگان و تمامی کسانی که مشغول اعمال افسراد کمیته‌ها و پاسداران و دولتی میباشند مصرأ می‌خواهم هر چه زودتر نسبت به آزادی زندانیان سیاسی - اعاده حیثیت و پوزش خواهم از آنها اقدام کنند. یادآور می‌شوم رواج دستگیری‌های غیر مجاز با اتهام‌های واهی صورت ناخوشایندی داشته و می‌تواند منجر به یک جنگ داخلی گردد که اجتناب ناپذیر میباشد.

موقعیت بدست آمده کنونی می‌توانست راهگشائی باشد برای آینده‌ای بهتر که مردم بتوانند آزادانه و بدون احساس ترس در کنار هم زندگی کنند و به‌سازندگی بپردازند. در حالیکه با مشاهده وضع و اوضاع پیش آمده مردم بتدریج مأیوس و دلزده میشوند. در این احوال دستبائی پنهان در تلاشند تا با شوب کردن افکار عمومی به اهداف شیطانی خود راه یابند و گروهها - احزاب و سازمانهای خلقی ملی و میهنی را نزد مردم بی‌اعتبار و بدنام کنند.

مقالات

درین صفحه مقالات و نامه‌هایی از خوانندگان و دوستان پیغام امروز منتشر می‌شود که در همین داشتن افق مشترک با روزنامه - دفاع از آزادی و استقلال عقیده سیاسی - چه بسا برداشتهای آنها از مسائل یا مشی ما یکی نباشد و ما به حرمت آزادی عقیده این نظرها را منتشر می‌کنیم.

معلمان مبارز به انتقال اجباری یا اخراج تهدید می‌شوند

نامه سرگشاده کانون مستقل معلمان تهران به نخست‌وزیر کانون مستقل معلمان تهران که در حساسترین روزهای انقلاب تاریخ ساز و شکوهمند مردم مستمکش ایران با شرکت معلمین مسئول و متمهد شکل سازمانی یافت همچنان که در گذشته، قبل و بعد از انقلاب، در برابر حملات مرتجعانه فرصت طلبان مقاومت نمود امروز مصمم تر از همیشه در جهت انجام وظایف ملی خود بدون توجه به تمام مشکلاتی که فراهم خواهد شد راه راستین خود را تا دست یابی به یک محیط سالم سیاسی، اجتماعی و آموزشی ادامه خواهد داد.

سال تحصیلی ۵۸-۵۷ یعنی سال انقلاب ملت ایران که با اعتراض و فریاد دانش آموزان و معلمان متمهد همراه مردم زحمتکش ایران اوجی تازه یافت و با مقاومت و شهادت تا کسب پیروزی ادامه یافت با درد و رنج فراوان پایان رسانندیم. روزهای غرور انگیزی که هر دقیقه اش سرنوشت ساز بود مردان افتان و خیزان زیر شلیک مسلسلها سرود پیوستن را ززمه می‌کردند. روزهای دلهره آور حوادث تلخ و شیرین که با شروب خورشید پایان نمی‌یافت و بطور کلی روزهایی که خون زنان و مردان مبارز با عقاید گوناگون در هم آمیخت، و سرود پایه یکی شویم را سر داد، تا در صبح بخیم بهمن جوانه انقلاب شکوفا شد، حکومت شاه جلا را ستلاشی کرد و با سرعت هر چه تمامتر دژهای استبداد یعنی پادگانها و مراکز جاسوسی، شکنجه گاههای ساواک، کلاش‌یها، رادیو تلویزیون و قصرهای فرعون را تصرف و همه مظاهر استبداد و استثمار را چنان پلرزه در آورد که اگر فرصت طلبان بظاهر انقلابی در مسیر حرکت توفنده ملت مانع نمی‌ساختند چه بسا که امروز حتی از نسیادهای امپریالیسم اثری نبود. امروز نزدیک به پنج ماه از حکومت دولت موقت میگذرد، در این مدت مردم جز اینکه «شاه» خون آشام و شناخته شده را بالای سر خود نمی‌بینند، عملاً تغییر محسوس را در زندگی خود از نظر اقتصادی، اجتماعی، آموزشی و آزادیهای سیاسی احساس نمیکنند چرا که از یک طرف منحنی تمایش گرانی همچنان سیر صعودی طی میکند و از طرف دیگر ادارات که توسط همان سپه‌های فاسد گذشته اداره میشوند قادر به حل کوچکترین مشکل مردم نیستند. در مسایل سیاسی با آنکه شمار آزادی همه سازمانها و احزاب داده میشود، عوامل اخلاک و سرسپرده استثمار و ارتجاع، آزادی مطبوعات مستقل را هم با اشکال روپسرو کرده‌اند.

برنامه آموزشی دولت از طرفی هر چه جلوتر می‌رویم تناقض کوئی و لغافی، تغییر کلمات و توجیه لغات، سرگردانی و بیکاری، تفرقه -

طرحهای پیشنهادی استقلال دانشگاهها

معرفی کتاب

- نظام دانشگاهی باید افراد را برای ایفای مسئولیت آماده سازد.
- نظام دانشگاهی باید هماهنگ با نیازهای انقلابی خلقهای ایران باشد.
- مدیریت دانشگاهی باید با مشارکت گروهی و همگانی بوسیله شورای منتخب ارگانهای دانشگاهی صورت پذیرد.
- امنیت شغلی ضامن اصلی تامین اجتماعی جامعه دانشگاهی است.

لایحه قانون استقلال دانشگاهها

پس از سخنی که با ارگانهای چندگانه دانشگاهی داشتیم و از آنها بخصوص دانشجویان خواستار اظهار نظر در مورد لایحه استقلال دانشگاهها شدیم، پس از چاپ طرح پیشنهادی استقلال دانشگاهها بر طرف دانشگاه آزاد ایران و دانشکده علم و صنعت، در این شماره به طرح پیشنهادی از طرف دانشگاه تبریز می پردازیم. این طرح توسط دکتر رزانی در سمینار استقلال دانشگاهها مطرح شد.

ماده اول: والاترین هدف هر نظام آموزشی و از جمله نظام دانشگاهی، تامین شرایط مناسب برای رشد کامل شخصیت انسانی احترام به حیثیت انسانی و اعتقاد به آزادیهای اساسی و دفاع از آنهاست و این امر جز در جهت تکامل همه جانبه جامعه معنائی نمی تواند داشته باشد.

ماده دوم: نظام دانشگاهی باید افراد را برای ایفای مسئولیت موفی در یک جامعه آزاد و شکوفان آماده سازد و با گسترش آزادانه فعالیتها و آموزش و پژوهشی فرهنگی علمی و اقتصادی جامعه را رونق دهد.

ماده سوم: نظام دانشگاهی باید پشتوانه استقلال ذهنی و اندیشه افراد باشد تا بتواند از هستی و اعتلای علمی و استقلال فرهنگی، سیاسی و اقتصادی جامعه پاسداری کند.

ماده چهارم: نظام دانشگاهی باید در جهت شکوفائی فرهنگ راستین مردم و اقتصاد سالم و زنده جامعه گام بردارد و از خدمت به منافع خصوصی بدور نماند و با هر نوع سلطه و انحصار طلبی فرهنگی و اقتصادی مبارزه نماید.

ماده پنجم: باتوجه به اینکه استقلال نظام دانشگاهی یکی از ارکان اصلی شکوفائی هر جامعه است لذا نظام دانشگاهی باید بدور از منافع خصوصی و امیال فردی و گروهی و رها از هرگونه مداخله دولت و دستگاههای اجرائی باشد و اداره و تمثیت دانشگاهها به جامعه دانشگاهی سپرده شود.

ماده ششم: منظور از استقلال نظام دانشگاهی تنها استقلال اداری علمی و فرهنگی دانشگاهها نیست بلکه بعلاوه ارتباط عمیق دانشگاه با نیازهای جامعه یکی از وظایفی که در رابطه با مرحله انقلاب ضد امپریالیستی و دموکراتیک در مقابل دانشگاه قرار می گیرد هماهنگی با نیازهای انقلابی خلقهای ایران برای ایجاد جامعه ای آزاد، آباد و مستقل است. لازمه چنین رسالتی قرار دادن دانشگاه در رابطه نزدیک با منافع توده های خلق است در غیر اینصورت هر مفهوم دیگری از استقلال دانشگاهها به جدائی دانشگاهیان از توده ها بعنوان یک قشر بورژوازی منجر می گردد.

ماده هفتم: مدیریت دانشگاهی باید با مشارکت گروهی و همگانی، بر اساس اصول و مبانی دموکراسی بوسیله شورای منتخب ارگانهای دانشگاهی با توجه به رسالت این ارگانها صورت پذیرد و اصول دموکراسی در کلیه سطوح جامعه دانشگاهی باید تنها تعیین کننده ضوابط در روابط دانشگاهی باشد.

ماده هشتم: تامین و دفاع از حقوق و منافع صنفی ارگانهای مختلف دانشگاهی باید از طریق تشکیل اتحادیه های صنفی تحقق پذیرد. ماده نهم: زندگی دانشگاهی باید بر اساس آزادی پایه ریزی شود. آزادی اندیشه، آزادی گفتار، آزادی نشر عقاید و افکار و آزادی اجتماعات، از ارکان اصلی آزادیهای دانشگاهی است. آموزش و پژوهش باید در محیطی آزاد بدور از هرگونه نظارت و مینوی آشکار و نهان صورت بگیرد.

ماده دهم: امنیت شغلی ضامن اصلی تامین اجتماعی جامعه دانشگاهی است. جامعه دانشگاهی باید از شرایط کار و زندگی مناسب در چهارچوب عدالت اجتماعی و توزیع عادلانه درآمدها برخوردار باشد.

نهمه: نادیده گرفتن استقلال نظام دانشگاهی، منبع جامعه دانشگاهی از تصمیم گیری در امور خود، پیروی از مقاصد و تلقینات دستگاههای اجرائی، نقض آزادیهای اساسی در دانشگاهها، تثبیت به سیاست تهدید و طمع و خضوت، هتك حرمت استاد و دانشجو، اصرار افراطی شخصی از جانب هر فرد و مقامی و بازیچه انگاشتن موازین آموزشی، رونق آموزش و پژوهش جامعه را مانع گشته و لزوم توسعه انقیاد و از خودبیگانگی فرهنگی و علمی را موجب می گردد. بدیهی است که در چنین وضعی، نظام دانشگاهی از ادای رسالت صنفی خودداری بر آوردن نیازهای جامعه بازمی ماند.

فصل دوم: آئیننامه اجرائی

ماده یازدهم: به منظور استقلال دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و کارآمد ساختن بیشتر آنها در اعتلای امور آموزش و پژوهش و فراهم ساختن مدیریت صحیح از طریق مشارکت گروهی و همگانی، بر اساس اصول و مبانی دموکراسی بوسیله شوراهای منتخب ارگانهای دانشگاهی، از تاریخ تصویب این قانون، کلیه دانشگاهها و موسسات آموزش عالی برابر مفاد این قانون و اساسنامه ای که به تصویب شورای عالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی و شورای مرکزی هر دانشگاه و موسسه آموزش عالی خواهد رسید، اداره خواهد شد.

- با تصویب لایحه استقلال دانشگاهها، وزارت فرهنگ و آموزش عالی منحل خواهد شد.
- تدوین و تصویب آئیننامه های داخلی به عهده شورای عالی هماهنگی دانشگاههاست.
- شورای مرکزی دانشگاه عالی ترین مرجع تصمیم گیری در تمام امور آموزشی، پژوهشی و اداری است.
- رئیس و معاون دانشگاه و کلیه روسای دانشکده و مدیران گروه های آموزشی و پژوهشی باید انتصابی باشند نه انتصابی.

ماده دوازدهم: دانشگاهها و موسسات آموزش عالی موجود که به موجب قانون یا با اجازه مراجع قانونی تا بحال ایجاد شده اند و همچنین موسسات آموزش عالی که با رعایت قانون استقلال دانشگاهها و اساسنامه شورای عالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور تاسیس خواهند شد از زمان ایجاد، دارای شخصیت حقوقی و استقلال اداری، مالی و علمی می باشند.

ماده سیزدهم: دانشگاهها و موسسات آموزش عالی که اساسنامه آنها بر اساس ماده یک این قانون به تصویب می رسد از زمان تشکیل شورای مرکزی هر دانشگاه که مهم ترین ارکان و بالاترین مرجع تصمیم گیری آن موسسه عالی آموزشی محسوب می شود، موسسه غیر دولتی و غیر انتفاعی شناخته شده و ارکان دیگر آن در این اساسنامه روشن گردیده است.

ماده چهاردهم: با تصویب لایحه قانون استقلال دانشگاهها، وزارت فرهنگ و آموزش عالی منحل خواهد شد و وظایف و امور و اختیارات آن به مراجع زیر تفویض خواهد شد.

۱- جهت تعیین خط مشی و سیاست آموزش عالی و هماهنگی امور دانشگاهها و موسسات آموزش عالی شورائی بنام: شورای عالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، در سطح کشور تشکیل خواهد شد و کلیه وظایف و اختیارات وزارت فرهنگ و آموزش عالی در زمینه های مسائل دانشگاهی به شورای مرکزی هر دانشگاه و شورای عالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی بر اساس مفاد این لایحه تفویض خواهد شد.

۲- برای گسترش و اعتلا و هماهنگی تحقیقات و سوق دادن آنها در جهت نیازهای ملی، اقتصادی، اجتماعی و فرهنگی، موسسه تحقیقات و برنامه ریزی سابق به «سازمان ملی تحقیقات علمی کشور» تبدیل خواهد گشت که اساسنامه آن بطور جداگانه با مشارکت کلیه سازمان های تحقیقاتی کشور، دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، موسسه تحقیقات و برنامه ریزی سابق و سایر وزارتخانه های ذینفع تدوین خواهد یافت.

۳- کلیه امور فرهنگی و هنری وزارت فرهنگ و آموزش عالی به وزارت آموزش و پرورش و یا در صورت لزوم به سازمان ذیصلاح و نوبتی سپرده خواهد شد.

شورای عالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی

ماده پانزدهم: ترکیب شورای عالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور بشرح زیر خواهد بود:

- ۱- نخست وزیر یا نماینده تام الاختیار ایشان
- ۲- وزیر آموزش و پرورش
- ۳- وزیر مشاور و سرپرست سازمان برنامه و بودجه
- ۴- وزیر اقتصاد و دارائی
- ۵- روسای انتخابی دانشگاهها
- ۶- رئیس سازمان ملی تحقیقات علمی کشور
- ۷- نمایندگان انتخابی اتحادیه ها یا کانون ها، اعضای هیئت علمی دانشگاهها و سایر موسسات آموزش عالی به ازای یک نفر نماینده برای هر یک از دانشگاهها

تبصره: در صورت نیاز از سایر مقامات زیربط بعنوان مشاور و همچنین از نمایندگان سایر اتحادیه ها یا کانون ها سایر ارگانهای دانشگاهی برای شرکت و تصمیم گیری از شورای عالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی دعوت بعمل خواهد آمد.

ماده شانزدهم: شورای عالی هماهنگی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور، بالاترین و ذیصلاح ترین مرجع تصمیم گیری و تعیین کننده سیاست هماهنگی آموزش عالی کشور خواهد بود و دارای اختیارات زیر می باشد:

- ۱- هماهنگی سیاست آموزش عالی کشور و امور مسائل دانشگاهی و موسسات آموزش عالی با توجه به سیاست تامین نیروی انسانی مورد نیاز برنامه های مصوب دولت ملی و منتخب مردم
- ۲- به منظور ایجاد تعادل بین داوطلبان کنکور و ظرفیت پذیرش دانشگاهها و موسسات آموزش عالی، همچنین تامین نیروی انسانی متخصص مورد نیاز کشور، تدوین و تصویب طرح های جامع، تاسیس دانشگاههای جدید با توجه به نیازهای منطقه ای
- ۳- اظهار نظر درباره تعطیل یا انحلال یا ادغام دانشگاهها و موسسات آموزش عالی که از انجام رسالت و وظایف حقیقی خود بر- اساس مفاد لایحه قانون استقلال دانشگاهها عاجز می باشند.
- ۴- تشکیل شوراهای و کمیسیون های عالی جهت بررسی و هماهنگی امور آموزشی، پژوهشی، دانشجویی، اداری و مالی و فنی و خدماتی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور.
- ۵- نظارت صحیح و مستمر بر اجرای دقیق مصوبات شورای عالی دانشگاهها و شورای مرکزی دانشگاهها برابر اساسنامه ای که به تصویب این شورای عالی خواهد رسید.
- ۶- بررسی و هماهنگی مقررات استخدام هیئت علمی و همچنین ارکان اداری و خدماتی دانشگاهها و موسسات آموزش عالی کشور.
- ۷- تصویب حقوق بازنشستگی کلیه کارکنان دانشگاهی و موسسات آموزش عالی کشور

ادامه دارد

★ جامعه سرمایه داری را بشناسیم دفتر دوم: دولت انتشارات: ندای کارگر (پخش شبانه) ۹۰ صفحه ۵۰ ریال

جامعه سرمایه داری را بشناسیم چنانکه پیشتر آمد. مسایل پیچیده و حاد اجتماعی را، با زبانی گویا و ساده برای علاقه مندان، بخصوص کارگران، بازگو می کند، که می تواند بسیار راهگشا و فایده مند باشد، خاصه که در سمت و سوی منافع واقعی طبقه کارگر، قدم بردارد.

مطالبی که درین دفتر بیان شده بیشتر ماهیت طبقاتی و نقش تمامی دولت را مورد باز-بینی و مطالعه، قرار گرفته است. درباره ملی کردن تولید عمده می خوانیم: ملی کردن یک رشته (تجارتی، تولیدی...) بخودی خود برای کوتاه کردن دست سرمایه داران کافی نیست. تا زمانی که دولت، همان دولت سرمایه داری است، در جهت منافع سرمایه داران عمل می کند.

دوم آنکه در یک کشور تحت سلطه، ملی کردن چنانچه توسط دولت سرمایه داری انجام شود، حقیقتاً نمی تواند کشور را از زیر سلطه خارجین خارج کند. زیرا اقتصاد این کشور بطور کلی یک اقتصاد وابسته است.

در صورتی ملی کردن می تواند سودبخش باشد که: اولاً ملی کردن به یک یا دو کارخانه یا به یک یا دو رشته محدود نباشد، بلکه کلیه کارخانجات و صنایع بزرگ، کلیه بانکها و شرکت های بیمه، تجارت بزرگ و بخصوص تجارت خارجی، واحدهای بزرگ کشاورزی و... را در برگیرد و دست سرمایه داران بزرگ را از همه اینها قطع کند.

بررسی امکان انحراف مرکزیت دمکراتیک

انتشارات: سازمان مجاهدین خلق

۷۷ صفحه - ۴۵ ریال «بررسی امکان انحراف مرکزیت دمکراتیک» یا تفاوت شک علمی و غیر علمی در امر تشکیلات هفتمین جزوه از سری آموزش های درباره سازمان است که از سوی سازمان مجاهدین خلق منتشر شده است.

در مقدمه می خوانیم: هر سازمان انقلابی در جریان حرکت خود مسیری پرپیچ و خم را طی می کند، که در آن موفقیت ها و ناکامی ها، شکست ها و پیروزیها در کنار هم قرار گرفته و با هم صجین شده اند. در مسیر چنین حرکتی، هر ضربه یا شکستی که بر سازمان وارد آید، بطور خود بخودی آثار واکنش- های خاص خود را ایجاد خواهد کرد و در نتیجه همه افرادی را که به نحوی به سازمان وابسته اند و در رابطه با آن می باشند، تحت تاثیر قرار میدهد. و اثرات و واکنش های آن بسته به اهمیت ضربه، می تواند از داخل سازمان تا اعماق جامعه، گسترش یابد و در زمینه های مختلف و به صورت های گوناگون بروز کند.

جزوه سه بخش را دربردارد. ۱- تشکیلات سیاسی چیست و چرا ایجاد میشود ۲- سازمان چگونه و با چه مکانیسمی منحرف می-شود ۳- شك غیرعلمی و شرک آمیز.

مسئله قدرت حاکمه در انقلاب دمکراتیک (تحلیلی از آرایش نیروهای ملی و طبقاتی در ایران) مبارزین راه آرمان کارگر

۴۰ صفحه - ۳۰ ریال تحلیل و واریس جنگوتکی به- قدرت رسیدن دولت بورژوازی لیبرال فعلی، از نظر گاه کمونیستی، چندان که باید و شایدوشایسته است، بدان تیرداخته اند. جزوه حاضر، کوششی است در این راه با دیدی هوشمندانه، از مسئله آرایش طبقاتی و مسئله نبرد برای کسب قدرت سیاسی، و اساساً نقش و نگاه به جریانات و آنچه در حول و حوش مان می گذرد، که با برداشتی واقع گرایانه همراه است.

یابانه مشترک احزاب کمونیست اروپا

(در باره گوری روزیویستی جهان)

ترجمه: جواد - الف نشر: مبارز

۳۳ صفحه - ۴۵ ریال

این جزوه، تحلیل انتقادی کوتاهی است از کم و کیف تئوری ضد مارکسیستی «سه جهان». به موجب جریان اپورتونیستی «تئوری سه جهان»، کشورهای جهان به ۳ دسته تقسیم می-شوند: اتحاد شوروی و آمریکا، جهان اول - کشورهای اروپا و ژاپن، کانادا، جهان دوم - و بقیه کشورهای جهان، جهان سوم را تشکیل میدهند.

که برای قرار از چنگ جهانی جدید، باید «جهان سوم» یا کشورهای پوزروازی ازجاسعی «جهان دوم»، علیه کشور های «جهان اول» متحد شوند.

در جزوه می خوانیم: تئوری «سه جهان» تضاد اساسی عصر ما، یعنی تضاد میان سوسیالیسم و سرمایه داری را مورد انکار قرار میدهد، در طرح «سه جهان» کشورهای سوسیالیستی وجود خارجی ندارند.

تئوری «سه جهان» تضاد موجود میان پرولتاریا و بورژوازی را منکر می شود. این تئوری همچنین رسالت تاریخی و بزرگ پرولتاریا و نقش رهبری وی در مبارزه برای انقلاب و سوسیالیسم را مورد انکار قرار میدهد.

این تئوری، نقش رهبری پرولتاریا را در مبارزات آزادی-بخش ملی منکسر می شود. در صورتیکه نقش رهبری پرولتاریا که از طریق حزب کمونیست آن صورت واقیت بخود میگیرد، شرط لازمی است تا مبارزه رهاهی-بخش ملی راه مبارزه قاطعانه ضد امپریالیستی را پیش گرفته و طی یک پروسه انقلاب، بدون انقطاع به پیروزی سوسیالیسم منجر شود.

کلیدر (جلد اول) نوشته محمود دولت آبادی انتشارات تیرک

کلیدر یک رمان بلند روستایی است با همان قدرت بینائی و شنوائی نویسنده که کوچک ترین پازقه ها و زمزمه ها را به آتشین-ترین آواها و حسیات و حرکات پیوند می زند. قسه ای از عشق و فقر، مهاجرت و خانه بدوشی، نقاشی جامعه دهقانی گویر.

اگرچه اصرار نویسنده در توصیف صحنه ها یا تشریح مفصل انگیزه های آدم ها، گاه جریان طبیعی رمان را کند می کند، با این حال، «کلیدر» دارای ارزش-هایی است انکارناپذیر.

نامه سرگشاده کارگران به نخست وزیر

اعتقادات طبقه کارگر فروشی نیست

در این حرف شما توهین بزرگی بر اعتقادات و مقدسات ملت ایران نهفته است

جناب آقای مهدی بازرگان نخست وزیر ایران :
در روزنامه اطلاعات مورخه ۱۴ تیرماه از قول شما می خوانیم که :
«... همینطور دشمن که البته توجهش بیشتر به داخل است تا به خارج و خارج هم از طریق داخل انجام میدهد یا ایسادی داخل انجام میدهد . همینطور هفته به هفته و چند وقت به چند وقت پرده عوض میکند . نقشه عوض میکند . یک مدت پاسدار . کسی ، یک مدت افرادی را در لباس کارگری ، گاهی و قهسا حتی لباس کارگری نداشته اند حتی شیک و بیک هم بودند روزی صدویست تومان به آنها پول میدهند که بیایند اینجا جمع بشوند آنها هم جمع میشوند در شهر و در بیرون تظاهرات می کنند بعنوان این که ما بیکاریم مثل وقتی که از کوره پزخانه آمدند گفتند «به ما پول بدهید ما کار نمی خواهیم» یک مدت این هسلط بود یک مدت علیه حجاب بود ضد حجاب مثلا نصب حالا فلا ...»

آقای نخست وزیر

براستی آیا گفته های خودتان را دوباره میخوانید ؟! از شما امید به نظر می رسد که چنین بهرخوا تمام ملت ایران را ایادی اجنبی بخوانید بدون اینکه واقعا روشن کرده باشید «دشمن» کیست پس هر آنچه که شمارا فاحش میکند ایادی دشمن می خوانید و برای اینکه این حرفتان خریدار داشته باشد تهمت هایی آهنگانی می زنید .

آقای بازرگان آیا تصور می کنید که کارگران بیکار شده و اخراجی کارخانجات و دور کلی طبقه شریف کارگر می توانند وطن فروش و خائن باشند و بخاطر اعتراض به نخست وزیر آن جناب و یا خدای نکرده در انقلاب اسلامی که پانخون خود آن را آبیاری کرده اند بروند از بیگانگان روزی صدویست تومان رشوه بگیرند؟ مگر رهبر انقلاب آیت الله خمینی نمی فرمایند که «این قشر کارگر و زحمتکش بوده که انقلاب کرده» آیا در آن گفته ها و این استنباط شما تناقض به چشم نمیخورد ؟ این رشوها و حتی بیشتر از آن را میشد در زمان طاغوت گرفت و سکوت کرد ولی طبقه کارگر هرگز چنین نکرده و نخواهد کرد . و اگر دشمن میخواند با صدویست تومان این همه کارگر را بر علیه شما در مراسم ایران تحریک کند یعنی اعتقادات طبقه کارگر قابل خرید می باشد و اگر چنین است از شما متوال می کنیم که رهبری انقلاب اعتقادات و راه میلیولیا راه پیمانان دوران انقلاب را به چند خریده بود ؟ در این صحبت شما توهین بس بزرگی بر اعتقادات و مقدسات ملت ایران نهفته است .

جناب بازرگان :
شما که مرد پر تجربه ای هستید

جناب نخست وزیر مثل اینکه عادت دارند هر آن چیزی که مستقیما ناراحتشان بکند اوقات پر بهایشان را بگیرد جزو ایادی اجنبی بشناسد؟ پس پشه ای هم که شبها مزاحم خواب راحت شما می شود توسط پول اجنبی پرورش یافته و بمقتل سلیم شما و هر کسی دیگر میرسد که با امشی وطنی که به ظاهر هیچ بیگانه ای در تولید آن نقشی ندارد اقدام به نابودی پشه بفرمائید ولی چون طبقه کارگر پشه نیست و شما هم نمی توانید بگلوله شان ببندید پس نیاز به هوطنان مبارزه فکر! دارید که جمع آنها را به نفع راحتی شما برهم زنند و ملت را جان هم بیاندازد . همانطوریکه فردای سخنرانی شما پاسداران به خانه کارگر اصفهان حمله کردند

جناب نخست وزیر مثل اینکه عادت دارند هر آن چیزی که مستقیما ناراحتشان بکند اوقات پر بهایشان را بگیرد جزو ایادی اجنبی بشناسد؟ پس پشه ای هم که شبها مزاحم خواب راحت شما می شود توسط پول اجنبی پرورش یافته و بمقتل سلیم شما و هر کسی دیگر میرسد که با امشی وطنی که به ظاهر هیچ بیگانه ای در تولید آن نقشی ندارد اقدام به نابودی پشه بفرمائید ولی چون طبقه کارگر پشه نیست و شما هم نمی توانید بگلوله شان ببندید پس نیاز به هوطنان مبارزه فکر! دارید که جمع آنها را به نفع راحتی شما برهم زنند و ملت را جان هم بیاندازد . همانطوریکه فردای سخنرانی شما پاسداران به خانه کارگر اصفهان حمله کردند



نامه يك كارگر به آیت الله طالقانی : آنان که به جاه و جلال رسیده اند کلمه مستضعف کمتر بر زبانشان جاری میشود

ای مجاهد کبیر، ای بزرگ مرد جهان آزادی، ای همچو من، پاره تن ما کارگران، در نظر من پشت تراز شلاق جلدان امپریالیست و سرمایه داران چون کف دست من پینه بسته است . هنگامیکه روز تاسوعا مرد خمیده و نحیف را با روح بزرگ بردوش گرفتیم و در میدان آزادی از اتومبیل به پشت میکران گذاشتیم فکر نمی کردم تا این اندازه از نظر بدنی سبک و مثل خود ما استخوانی باشید . وقتی لب به سخن گشودید از آزادی از طرد بردگی، و نابودی خفقان و بر طبقه توحیدی سخن میراندید . امید به پایانی در دل ما کارگران پدید آوردید بعد از آن با اراده بیشتر خود . حسرم و فرزند نام جلو گلوله می رفتیم . شبهای سرد در جنوبی ترین نقطه شهر در ساعات حکومت نظامی پخیابان میریختیم ، فریاد میزدیم اللهوا کبر و... از گوشه و کنار خانه های دخمه مانند جواب می شنیدیم . لبیک لبیک گرسنه های محل بما ملحق میشدند پاکت های سوراخ خود بر روی پرفها و پرخها تا نیمه های شب راه پیمائی میکردیم ، باشما راه میسرمان . از جلو خانه مخالفین که روسای انجمن و حزب رستاخیز بودند عبور میکردیم هر روز حسرم و بچه های مرا تهدید میکردند . وقتی تلفن میزدند نظامیان می آمدند دیوار خانه مرا بگلوله می بستند . ولی من بخاطر اینکه سهم کوچکی در انقلاب داشته باشم شما را الگو قرار داده بودم بعنوان قرائت قرآن مردم و جوانان را در خانه جمع میکردم (در زمان از هاری) برایشان صحبت میکردم و آنها را برای تظاهرات فردا آماده می ساختم . روزیکه دوست هم فرم خیر داد که هوا پیمای اف ۱۴ و... را از ایران خارج میکنند او را نزد شما آوردم که بشما خبر دارائی کشور و ملت رنج دیده را غارت نکنند . تا اینکه روز موعود فرارسید ، پادگان جنگیدیم پیراهن های خونی من هنوز در خانه نگهداری میشود ، سعادت شهادت را نداشتیم ، انقلاب صورت گرفت ملت پیروز شد ، ما

۴۰ دانه کشک برای شش روز کار

یکی از کارگران ساده روسای تشکرتیبه از بخش رامبر کرمان نامه ای برای ما فرستاده و خبر از حال و ورزش داده است . حرفهای پر ادرمان ظاهرا خیلی ساده است . از کسب و کارش در شهر حرف زده و از بازگشتش به روستا و از رفتار نیمچه آرباب ده با خودش . امدارین حرفها چیزی نرفته است که اهمیت بسیاری دارد .

روستائیان ستمکشیده که مجبور به ترک روستا شده اند ، با همه آنکه در شهر به استثمار وحشیانه تری گرفتار می شوند لیکن در عین حال روابط آنان با کارفرما در شهر ماهیتا تکامل یافته تر از رابطه آنان با آرباب ده است . آنان از چنگ تمام روابط عقب افتاده که رنگ و بوی آرباب و رعیتی دارد ، نجات می یابند و بطور آشکار در برابر خود روابط خشک و خشن تازه ای را می بینند ، حال این کارگران ساده اهل روستا ، وقتی تحت شرایطی به ده بازمی گردند ، دیگر آن روستائیان پای در بند محدوده تنگ ده نیستند ، آنان بسیار چیزها آموخته اند و روابط مرتجمانه مالکان و خرده مالکان برای آنان قابل تحمل نیست و این همان وضعیتی است که می تواند روستا و روستائیان را از بی خبری نجات دهد ، پیوند آنان را با خواستهای پیشرفته تر ستمکشان شهر برقرار سازد و در روستا مبارزه را وسعت تازه ای ببخشد . حال بخاطر اینکه بطور مشخص باین حقیقت آشنا شویم نامه برادرمان جانم علی فلاح را با هم بخوانیم .

«من که یک کارگر ۲۳ ساله ساده مستم و دارای زن و چند بچه سالمی حسرم را از گاوپرانی گرفته تا هر کار دیگری گذراندم . وقتی که بزرگتر شدم بعلمت فقر و ننداری پدرم مجبور شدم در سن ۱۴ سالگی از مدرسه بیرون بیایم و بعنوان کمک بازوی او در کنارش به کار کشاورزی بپردازم . و همچنین مجانی و بدون اجرت کارهای خانه آرباب را که خرده مالکی بود انجام دهم . او مثل آربابان بیگاری می کشید ، کتک می زد و حقوق کشاورزان را نمی خورد . ما خانواده دهقانان بی چیز زیر بار تمام این سختی ها بزرگ می شدیم . بالاخره طاقتم طاق شد و مجبورا برای کار کردن به کرمان و بندرعباس رفتم . آنجا چند ماه از سال را کار می کردم با حقوقی نزدیک ۶۰ الی ۷۰ تومان و کمک هزینه خانواده ام بودم . ولی آرباب روستا که بمن احتیاج داشت برای اینکه بنوعی در روستا پایست بمانم بزور خانواده ام را وادار کرد تا همانجا به من زن بدهند . وحالا ناچارم در روستا بمانم . این آقای «باخدا» که خود را حامی سرسخت جمهوری اسلامی می داند برای فریب مردم خانقاه می سازد و همیشه علی علی می گوید ولی مرا شش شبانه روز برای کار دامپروری در بیابان دنبال گوسفندان و جابجا کردن سیاه چادرش فرستاد . اما در موقع حقوق دادن با کلی اخم و تنم ۴۰ دانه کشک که شاید ۲ کیلو نمی شود اجرت مرا که پناهی نیمه ماهی هستم داد .

روزی که پس او از این خبر مطلع شد مبلغ ۲۰۰ تومان اجرت بمن داد و از من معذرت خواست ولی پدرش یا خبر شد و ۲۰۰ تومان را از من گرفت و پدرم از ترس اینکه پاسکاه کمیته در زیر نظر آنهاست مرا وادار کرد تا صدا نکنم .

ولی من می دانم ما کارگران و دهقانان دیگر نباید از این مالکان و خانها بترسیم زیرا انسان که چند مرتبه نمی میرد بگذار همانگونه که تهدید می کنند ما را یکدفعه بکشند شاید بقیه کارگران هوشیار شوند و از حق خودشان دفاع کنند ما نباید اینبار سرنوشت خود را به دست این گرگان بظاهر میش بسیاریم .»

ماتین آلات و غیره ... میباشد . و برای اینکه این ضرر را جبران کند رسود اولیه را ببرد مسزد کارگر را کم کرده یا مدت کارش را اضافه میکند و از سوی دیگر کارگر برای اینکه قدرت خرید بیشتری بدست آورده آسایشی بهتر و زندگی نسبتا بخور و نمیزی را بگذراند ، احتیاج به اضافه مزد دارد و چون کارفرما به او نمیدهد پس اعتراض بلند می شود حالا بفرمائید کدایک از این آقایان یعنی کارگر یا کارفرما مقصود ؟ کارفرمای که سود بیشتر میخواهد یا کارگران که بقول رهبری انقلاب : «چنین نیست که کارگران خیلی بلند پرواز باشند ، آنها زندگی می خواهند» (نقل از روزنامه انقلاب اسلامی مورخه ۱۲ شعبان ۱۳۹۹) مسکن است به این نتیجه برسید که تقصیر اصلی از بالا رفتن قیمت دلار و پائین آمدن قیمت ریال باشد ولی تقصیر وابستگی ریال به دلار به گردن چه کسی است ؟ در ثانی اگر عنایت بفرمایید تقصیر اینکه ما مواد خام و یدکهای ماشین آلات کارخانه ها را از آمریکا بایسد بخریم بمدهد چه کسی است ؟ وقتی که ما از همه جانب به امپریالیسم آمریکا وابسته ایم و بقول شما اسلحه خریدیم و برای نگهداریش دوباره بایسد بخواهیم که آمریکایی ها برگردند چرا عوام فریبی کنیم و بگوئیم تمام بدبختیها بدین خاطر است که کارگران در جلوسوی نخست وزیر جمع میشوند و اعتراض می کنند ؟ مگر نه اینکه روزمزد های وزارت دفاع بعلمت رسمی نشان می گفتند وزیر دفاع و حکاک شما طاغوتی اند ؟ بلی آنها هم اشتباه می کردند و باید می گفتند امپریالیزم در هر گوشه جهان طاغوتیه .

پایان تحصن کارگران شرکت تسا

بوشهر - تحصن کارگران شرکت ساختمانی تسادر استناداری بوشهر پایان یافت و کارگران پس از رسیدن به خواست خود محل تحصن را ترک کردند . در پی این تحصن جلسه ای با حضور استاندار مدیر کل کار و امور اجتماعی نماینده شرکت ونماینده کارگران در استناداری بوشهر تشکیل شد . در این جلسه پس از بررسی وضع کارگران اخراجی مقرر شد بموجب قوانین کار سال یکماه حقوق به کارگران مستحق که پس از اخراج میباشد به آنان داده شود از طرف کارفرما پرداخت گردد .

ناشر: پیغام نو
نشانی پستی تهران صندوق شماره ۶۱۷۲۶۶۷

مدیر مسئول: رضامرزبان
زیر نظر شورای نویسندگان

نانه یکی ز اعضای زندانی حزب کارگران سوسیالیست به پدرش بجای تقاضای مجازات ، خواستار آزادی بیان من باشید

مصطفی سیف آبادی یکی از اعضای دستگیر شده حزب کارگران سوسیالیست نامه سرگشاده ای در جواب نامه پدرش از زندان فرستاده است. در این نامه آمده است: حقیقت این است که آقای محمد باقر سیف آبادی مانند هزاران نفر دیگر از مردم ایران که سالیان سال آموزششان عجیب و توأم با تبلیغات ضد کمونیستی بوده ، اکنون که دولت جمهوری اسلامی نیز تبلیغات ضد احزاب چپ و سوسیالیستها را در صدر برنامه خود قرار داده ، متأثر از این تبلیغات می خواهد خود را از این ولای آسمانی که بجان پدرش سربایت کرده نجات دهد.

از جرائم شخصی که آقای محمد باقر سیف آبادی در نامه سرگشاده شان به من نسبت داده یکی عضویت در حزب کارگران

لایحه مطبوعات طرحی

بقیه از صفحه ۱

و بنا بر اصل فقهی ، که پایه قانون مجازات عمومی ایران شده است ، و شادروان سید حسن مدرس ، به استناد آن ، بر اجرای قانون مجازات عمومی ، جای حدود شرعی ، اجتهاد کرده است و فتوی داده - پنجاه و چند سال پس از آن فتوی و اجرای قانون مجازات عمومی - در شارع عام ، شلاق زدن به مرد وزن مسلمان صاحب اعتبار و آپسروی اجتماعی ، درمست نیست ، اهانت به احکام واضح و پشمار می آید ؟ یا اگر کسی قبیح تعدد زوجات را یاد آوری کند ، و بخواهد که برای حفظ سلامت جامعه و حفظ سلامت خانواده ، قانون حمایت خانواده به نفع زنان ایرانی تنقیح شود ، باز اهانت به احکام واضح شمرده میشود ؟ و از این ردیف بسیاری توان شاهد آورد . از جمله ، انتقاد به اختلاف سن ازدواج . . .

مضری یعنی چه ؟ در مورد اول باز حدی می توان مشخص کرد ، ولی در مورد دوم ، یعنی مضر به انقلاب اسلامی ، حدی هم نمی توان گذاشت . آنچه لحن انتقاد دارد ، اعم از اینکه نظر یک روحانی باشد یا غیر روحانی ، می تواند تعریف مضر به انقلاب اسلامی پیدا کند . و هیچ روزنامه نویسی ، حتی هر اندازه محتاط ، قادر نخواهد بود خود را از دایره وسیع مضر به انقلاب اسلامی بیرون نگاه دارد .

باید به موارد کاربرد لغت توجه داشت . یا قصد از وضع ماده ۱۷ ، آنست که قابل اجرا باشد ، که چنین قلمرو نامتناهی ، گاه ممکن است گریبان تدوین کنندگان طرح قانونی را هم بگیرد و آنها را بابت وضع چنین قانونی ، که مابین روح انقلاب است به عنوان اقدام مضر به انقلاب اسلامی محکوم کند ، و یا هدف آنست که ماده قانونی بنویسند ، که در مجموعه قوانین بماند ولی اجرا نشود . که این دومی گناهی کمتر از اولی نیست .

کاسه از آش داغتر ، درباره تهیه کنندگان قانون ، به مناسبت تهیه ماده ۱۸ صادق است : « ماده ۱۸ - هرگاه در مطبوعات مطالب توهین آمیز یا افترا و یا خلاف واقع و حقیقت خواسته به نحو افترا و یا بطور نقل نسبت به شخص اول روحانیت و سراجی مسلم تقلید درج شود مرتکب به جرم جنحی از یکسان قاسم سال محکوم خواهد شد .

نویسندگان ماده ۱۸ ، که ماده قانونی « اهانت به مقام سلطنت و خاندان سلطنت » را در قانون مطبوعات رژیم منحله مورد نظر داشته اند ، هرگز به این نکته توجه نکرده اند که هیچ نسبتی بین مقام سلطنت ، و مقام روحانیت وجود ندارد . و روحانیت ، مبتنی بر قدرت قاهره و متجاوز نیست ، و نباید احترام روحانیت را قانون ، و سلطه و سیطره حکومت نسبی بگذارد ، احترام روحانیت ، احترامی معنوی است ، و هرگز روحانیت اصیل و آگاه و دارای شرایط جامعیت ، مورد بی احترامی مطبوعات قرار نمی گیرد .

حتی در رژیم سرنگون شده ، که سیستم جاسوسی مستور ، در جهت هدفتای سببونیستی ، به بی حرمت ساختن روحانیت مبارز و مقاوم ، در سالهای اخیر رو آورده بود ، سرسپرده ترین نشریه های حکومتی نیز پانفرت تن به اجرای دستورهای ضد روحانی داده اند * و از طبع مطالب تهیه شده در ادارات « ساواک » هم پرهیز داشتند . ولی منع قانونی اهانت به مقام سلطنت ، یا تمام شدت رحمتی که داشته ، اگر چند راه مطبوعات را بسته بود راه رواج ادبیات شفاهی ، و هجوتامه های کوناگون را در تمام دوران دراز سلطوت شاهنشاهی باز گذاشته بود . که روزی اگر مدون شود ، گنجینه ای از خشم و نفرت ملت علیه سلطنت خواهد بود .

این نوع خوش خدمتی ، به روحانیت ، به منزله پادامه جان دورقاب پیدین است ، بی آنکه کوچکترین اثری در رفتار و روال مردم داشته باشد . و در عین حال به منزله دوستی « خاله خرمنه » می ماند ، وزارت ارشاد ملی ، می خواهد چه بگوید ، می خواهد بگوید چندان به اعتدالی مقام روحانیت علاقه دارد که تمام قوانین آریامیری را که برای ایجاد هیمنه و قناعت سلطنتی بکار گرفته می شد ، حالا ، یکجا و در پست ، با تغییر عنوان به روحانیت اختصاص می دهد ؟

این گناه بزرگ و نابخشیدنی را ، روحانیت است که باید بر نویسندگان قانون خرد پگیرد . به تفسره ای که ذیل ماده ۱۸ آمده است ذقت کنید و به یاد بیاورید که هرگز پیوند روحانیت با مردم واسطه رضابطه قانونی نداشته ، این پیوند همیشه معنوی و بی واسطه بوده است ، و وضع ضابطه به منزله زوال هر نوع پیوند طبیعی و مستقیم است . خاصه با این کلمات کشتار که در متن ماده ۱۸ آمده است -

به همان دلیل که تاکید روی احترام به اساس دین اسلام ، و رعایت این احترام ، امری است که قانون باید قائل بر آن باشد ، مداخله قانون در حرمت طبیعی و تضمین شده روحانیت نزد افکار عمومی در نتیجه نزد مطبوعات ، مضر و اغواگرانه است .

سایر اقشار خلق ، تمام حکومتهای دیگر جز وسیله ای جهت سرکوب زحمتکشان نخواهند بود . همه آنها کارگران را استثمار می کنند همه با مبارزات انقلابی کارگران و زحمتکشان دشمنی می ورزند ، و گلوله باران کارگران منطق هیشگی آنهاست .

۲۳ تیر

بقیه از صفحه ۱

فریب می دهد . امریکا در ایران ، داشت همان بازی را می کرد ، که هشت سال بعد ، در کنگو پلژیک به اجرا سپرد ، و شبیدی به نام « پاتریس لومومبا » برای مبارزان استقلال و حاکمیت ملی در قاره سیاه بیادگار گذاشت . و از سر این تجربه تلخ بود که مردم ایران ، بعدها ، با تمام وجود ستمی را که بر کنگو رفت احساس کردند و چنان همدردی عمیق با مردم ستم زده کنگو ، و همبستگی ژرف با قهرمان بومی آنها نشان دادند .

۲۳ تیرماه ، در عین حال ، آغاز و سنک پایه ۳۰ تیر بود . و میلیتاریسم سلطنتی را برای مقابله با مردم ، به آموزش و ادانت ماجرای ۲۳ تیر چنین آغاز شد که انحصارهای نفتی آمریکا پس از ناکامی در تجدید سابقه مذاکرات امتیاز نفت شمال ، که محور وقایع سیاسی پشت پرده سالهای ۲۳ تا ۲۵ را تشکیل می داد ، درصدد پیره روی از قدرت آکسای پس از جنگ جهانی دوم ، و تجدید تقسیم منابع نفتی خاورمیانه بودند . و این فرصت طلبی آنها ، با اعتلای مبارزه مردم ایران ، به رهبری دکتر مصدق برای طرد کمپانی انگلیسی از نفت جنوب ، و شمار ملی شدن نفت همزمان شد .

آمریکایی ها ، در نقش واسطه ای که خواستار عدالت است . در میان ایران ، و حکومت انگلیس و بریتیش پترولیوم ظاهر شدند . و این وساطت ، بهانه ای بود برای تدارک استیلا مطلق امریکای فاتح بی آسیب جنگ دوم جهانی ، بر ایران . اما حکومت ایران ، و نیز مردم ، در آغاز با خوشبختی ، همچون فرشته رحمت به واشنگتن می نگرستند ، و هنگامی که « آدرل هرین » معاون رئیس جمهور وقت امریکا ، برای وساطت بین ایران و انگلیس به تهران می آمد ، گمان بر دند دستی در حمایت بریا ، به یاری آنها آمده است .

ولی ، زحمتکشان ایرانی ، چهره گرک را در هر جامه و پاه ماسک که ظاهر می شد می شناختند . و بیم داشتند که دولت جدید ، یا شیفتگی که نسبت به امریکان نشان می داد ، به دام تازه بیفتد . روز ۲۳ تیر ، روزی بود که « آدرل هرین » به تهران وارد می شد ، و این روز را زحمتکشان و روشنفکران تهران ، به دعوت جمعیت ملی مبارزه با استثمار ، به روززام همیای و نمایش خشم و نفرت خود نسبت به جهانخواران امریکا و انگلیس تبدیل کردند . حرکت صفوف منظم و منسجم زحمتکشان و یاران وفادارشان مسیری را از دانشگاه تهران به میدان فردوسی ، پیش گرفت و از میدان فردوسی که نقطه اصلی حرکت و راه پیمایی بود ، به جانب میدان بهارستان به حرکت درآمد .

این نخستین « دموستراسیون » ضد امریالیستی ، چنان باشکوه بود که باید در عرشه بریکر امریالیسم و خادمانش می انداخت ، و باید خادمان امریالیسم را برای نمایش خوش خدمتی ، و میزان قسوت خویش ، به تلاش وامی داشت . و چنین بود که پس از تمرکز جمعیت انبوه چند صد هزار نفری از یکی از لانه های توطئه سیاسی وابسته به جهانخواران ، که برای جذب و جلب طبقه متوسط پدید آمده بود ، بعنوان علامت ، چماق داران از پناه کوچه های فرعی « شاه آباد » به جمعیت هجوم آوردند ، و همزمان ، حمله مسلحانه کامیونهای یاسبان و تیروهای انتظامی ، به جمعیت آغاز شد . و تانکها در خیابان پحرکت درآمد .

شاید اگر این نمایش شقاوت نبود ، دلیری زحمتکشان ایرانی در سرکوب جهانخواران ، جلوه گر نمی شد . آن دخترک دلیر ، که برابر تانک ایستاد ، و فرمان ایست به تانک داد ، ولی تانک از روی پای او گذشت ، و جوانانی که رگبار گلوله تانکها و کامیونها را بجان خریدند ، رازی را بر مردم ایران قاش ساختند : این راز را که امریالیسم ، هرگز نمی تواند دوست ملتها و خیرخواه زحمتکشان باشد . و سر سپردگانش نیز ، هر جا که هستند ، در نقش دشمن مردم عمل می کنند .

فرمان آتش ، و توطئه حمله و کشتار دموستراسیون زحمتکشان را در تهران ، می دانید چه کسی داده بود ؟ سر لشکر فضل الله زاهدی ، که این زمان وزیر کشور بود ، و جنایتاتی ، زیر سرپوش صداقت و مبارزه جویی دکتر مصدق ، نخست وزیر و رهبر مبارزه با امریالیسم رفت خوار از چشمها پنهان ماند ، در آن زمان ، وقایع پر شتاب می گذشت ، ولی روزی رسید که همین وزیر کشور دشمن خون آشام مردم و قناعت ظاهر مردم ، نخست علیه دکتر مصدق ، در مجلس متحصن شد ، زیر قیای نمایندگان که دیگر نمی توانستند با مبارزه ضد امریالیستی مصدق و مردم ، همراه باشند ، و بعد ، کودتای ۲۸ مرداد را تا اشغال خانه دکتر مصدق و نخست وزیری هدایت کرد ، و یادش خود را از امریکا به صورت نخست وزیری چند ساله دریافت ، و پسرش که خادم و کارگزار امریکایی ها ، در « اصل ترومن » بود ، به دامادی شاه و رازداری او رسید .

آنچه ۲۳ تیر به ما موخت ، آشتی ناپذیری زحمتکشان با امریالیسم ، در سطح جاری شدن مبارزه طبقه متوسط با امریالیسم ، و تجربه جدا شدن طبقه متوسط منت گرا از زحمتکشان و تردید در مبارزه و سقوط در دام جهانخواران بود . ولی امروز می بینیم ، این آموخته ها ، یکسره به دست فراموشی سپرده شده است ، و باز طبقه متوسط منت گرا ، با کشتی ، که هر چند طبیعی است ، ولی سقوط محتوم کشور را به دام امریالیسم همراه دارد ، در همان پستر پیش می راند . یاد ایدیه هایی که چه زود وجه آسان می توان سرپوش مهاجم های جهانخواران باشد .

ما ، به ایران و تسبیحان ۲۳ تیر ، این آغاز کنندگان جبهه جنگ آشتی ناپذیری با امریالیسم ، و مظهر آن امریکای درود می فرستیم .

۱۴ نفر تیرباران شدند

در آخرین روزهای هفته گذشته ۱۴ نفر در نهران و شهرستانها توسط دادگاههای انقلاب به اعدام محکوم شدند و حکم صادره در مورد آنها اجرا شد .

در تهران قربانعلی پور محمد غلامرضا محمدپور بهزاد و محمد جنگ آزما بجرم زناي محصنه و لواط و سکینه قاسمی ، صاحب افشاری وزه را مافیها از سرمداران باندهای فحشاء و مستور باقرهان تهیه کننده فیلمهای فارسی روز پنجشنبه تیرباران شدند . در مه آباد چنگیز خان زاده رهبر چماق بدستان و محمد امین سهرابی به جرم حمله به شهرداری مه آباد سحرگاه پنجشنبه تیرباران شدند .

سرباز وظیفه احمد سردار دراصفهان و ، عبدالرضا آل کثیر به اتهام اعمال ضد انقلابی در ذرفول ، حسین غلامی در لاهججان ، گروهیان پرات الله موسی زاده در کاشمر و یاسبان انوشیروان عسگری در بهشهر ، در روز چهارشنبه تیرباران شدند .

تشکیل گروههای فشار و اختناق به شیوه سابق مبارزات کارگران

را به خاك و خون می کشند و از طریق تصویب قوانین ضد کارگری چنین اعمالی را جنبه قانونی بخشیده اند . و همه دیدیم که چگونه در روزهای اخیر در دفاع از منافع سرمایه داران زانو صفت کارگران مبارز میسو رادر خرم دره به گلوله بستند و با این عمل جنایتکارانه در حق طبقه کارگر ایران بار دیگر خاطر دشوم سرکوب های آریامیری ، خاطر سرکوب کارگران کوره پزخانه ها ، جبهان چیت و کشتار نفتگران رازنده ساخته اند و هم اکنون نیز حمله به تظاهرات و اجتماعات مسالمت آمیز کارگران و سایر نیروهای انقلابی و مبارز از جانب آنها روز به روز تشدید میشود .

منطق همیشگی سرمایه داران

تمام واقعیات نشان میدهند که طبقه کارگرتنها از طریق مبارزات انقلابی خویش و در اتحاد با سایر اقشار خلق است که می تواند بر امریالیسم پیروز شده راه را جهت نابودی نظام سرمایه داری هموار نماید و سایر توده های ستمکش خلق را از زیر بار ستم برهاند . و این راهی بدون شرکت مستقل و سازمان یافته طبقه کارگر در مبارزه بدست نخواهد آمد . طبقه کارگر تنها هنگامیکه خود حاکمیت را بدست گیرد می تواند آزاد باشد . حاکمیتی که اساس آن اعمال قدرت از طریق شوراهای انقلابی کارگران ، دهقانان و سایر اقشار زحمتکش خلق است ، بدون وجود حاکمیت کارگران و

سپاه پاسداران عشایری تشکیل میشود

فرماندار اهواز اعلام کرد : برای اجرای خلع سلاح عمومی در ۵۶۸ روستای تسایع اهواز بزودی سپاه پاسداران عشایری تشکیل می ود . برای تسریع در اجرای این برنامه در جلسه ای که با حضور ۳۰۰ نفر از سران عشایر ، شیوخ و کخدا یان ۵۶۸ روستای حومه اهواز ، در فرمانداری این شهرستان تشکیل شده بود ، حضار طی قطعنامه ای منتهی شده که در ۱۵ روز آینده کلیه سلاحهای روستائیان را تحویل فرمانداری اهواز دهند . چنانچه در ظرف مدت اعلام شده ، دیگر عشایر سوز اهواز سلاحهای خود را تحویل ندهند خیلی قاطعانه با آنها رفتار خواهد شد .

پیام چریکهای بنیه از صفحه ۱

رفقای کارگر

اکنون ما در شرایطی مراسم یادبود رفقای شهید خود را برگزار میکنیم که انقلاب دموکراتیک و ضد امریالیستی ، و وظایف پس گرانی را بردوش طبقه کارگر و نیروهای هوادار طبقه کارگر نهاده است .

زیرا در دوره گذشته علیرغم اینکه طبقه کارگر در جریان قیام ، در مبارزات انقلابی توده ها ، فعالانه شرکت نمود و بخصوص در این بیان نفتگران قهرمان در سرنگونی رژیم ستم عمده ای داشتند . اما بواسط ضعف اتحاد و تشکل کارگران در مبارزه ، و رهبری مبارزات خلق بدست نیروهای فرصت طلب و سازشکاری اقتاد که نمی توانند با امریالیسم و سرمایه داری بطور قاطع مبارزه نمایند . و نتیجه این تشکل امروز طبقه کارگر ایران باور دیگر خود را در مقابل همان سرمایه داران سابق و قوانین ضد کارگری گذشته میباید . و چماق سرکوب ، اخراج و بی کاری همچنان مبارزات حق طلبانه کارگران را تهدید می کند .

گلوله باران کارگران مینو

نیروهای به لاکمیت رسیده موجود ، پس از آنکه به نیروی کارگران و زحمتکشان به قدرت رسیدند ، می کوشند ، همچنان در خدمت و سایر زحمتکشان را بهار لگر به بند کشند . آنها با

آگهی اصلاحی در شماره های ۷۰ الی ۷۲ روزنامه پیغام امروز در آگهی شعبه ۲۷ دادگاه شهرستان کلاسه پرونده ۵۲۵/۳۶ نام فامیل ده مؤید و در سطر چهارم دو فقره مفتحه صحیح است

در ارومیه ۳ بمب به دفتر هواداران چریکهای فدایی، پرتاب شد

ارومیه - ساعت ۳ بامداد دیروز، ۳ بمب سه راهی و مقداری مواد آتشزا، به دفتر هواداران سازمان چریکهای فدایی، در ارومیه انداخته شد.

در این حادثه، که فقط یکی از بمبها عمل کرده است، تمام هیئتهای دفتر شکسته شد و خساراتی هم به ساختمان وارد آمد. در این حادثه به کسی آسیب نرسیده است. بر اساس گزارشهای رسیده این حادثه، بدنبال تهدید فدائیان توحیدی، شاخه عملیات تروریستی رخ داده است.

این گروه، در نامه ای به دفتر هواداران متذکر شده اند که سازمان چریکهای فدایی نباید به افشاکاری در باره «ملاحستی» رئیس کمیته ارومیه، ادامه دهد، وگرنه با عملیات نظامی گسترده تر، مواجه خواهد شد.

تادوهفته دیگر تکلیف زندانیان روشن می شود

دادستان دادگاه انقلاب اسلامی تهران، اعلام کرد تا ۱۵ الی ۱۵ روز آینده تکلیف تمام زندانیان، مشخص خواهد شد.

وی در جواب به چگونگی کار دادگاههای انقلاب گفت: دادگاههای انقلاب، همچنان ادامه پیدا خواهد کرد و اینکه گفته می شود دادگاههای انقلاب هر آینه نزدیک منحل می شود و آئین می رود، این هیچ دلیل و جبهتی ندارد، یعنی تازه انقلاب وجود داشته باشد، حتماً این دادگاهها ادامه پیدا خواهد کرد. منتهی تکلیف متعین رژیم گذشته در آینده نزدیک روشن خواهد شد.

بمب در خبرگزاری پارس

بعد از ظهر دیروز، بدنبال تلفن يك ناشناس که ادعای کرد ساختمان خبرگزاری پارس بمب بمب گذاری شده است، کارمندان از ساختمان خارج شدند و خبرگزاری عصر دیروز تعطیل شد.

ماموران تجسس بلافاصله وارد ساختمان شدند و به جستجو پرداختند.

دیشب حدود ساعت ۱۰ کرشیدیم برای اطلاع بیشتر از ماجرا با خبرگزاری پارس تماس بگیریم اما تلفنهای سازمان جواب نداد.

فرمانداران تهران احضار شدند

فرمانداران سراسر کشور، برای مطالعه در مورد انتخابات مجلس بررسی قانون اساسی، به تهران احضار شدند هاشم صباغیان وزیر کشور، دستور داده است که ساعت ۸ صبح دوشنبه کلیه فرمانداران در تهران حضور یابند.

اراضی بزرگ کشت و صنعت ملی میشود

سختگویی وزارت کشاورزی اعلام کرد: بررسی طرح ملی کردن اراضی بزرگ کشت و صنعت آخرین مراحل خود را می گذراند و بزودی شورای انقلاب بعد از تصویب این طرح اجرای آن را به وزارت کشاورزی محول خواهد کرد.

وی افزود این طرح به منزله تجدید نظر در قانون اصلاحات ارضی نیست و فقط اراضی واگذاری تحت شرایط خاصی ملی خواهد شد. پس از ملی کردن اراضی واگذاری، دولت مجاز خواهد بود زمینهای مصادره شده را تحت شرایط جدیدی مجدداً اجاره دهد.

متحصنین کانون بانمایشهای خیابانی افشاکری می کنند

پس از اینکه متحصنین کانون پرورش فکری به حکم دادستانی و افراد مسلح محل تحصن و اترک رفتند و به تذکر دفتر حضرت آیت الله طالقانی از ادامه تحصن خودداری کردند دست به برگزاری نمایشگاهها و اجرای تئاتر در رابطه با موضوع تحصن و افشای عملکردهای نادرست سرپرستی کانیون در نقاط مختلف شهر دند.

این ابتکار با استقبال غیر منتظره مردم و ووبرو شده است و برد و سهمی در افشای ماهیت کانون ملی دارد. نخستین نمایشگاه شاگرا نه دسته جمعی متحصنین و ب چهارشنبه در پارک جلالیه گزار شد و بعد در میدان ولی

نکته و نگاه

به از منه ۱

نویس، و برای فردا اجتماعی دارای حق برخورداری از این آزادی تامین می گردد؟

کردستان آبستن

بقیه از صفحه ۱

وقتی که روشهای دیگر موثر نیفتند. این روزها باز هشت حاکمه از رادیو تلویزیون فریاد سرداده است که گویا کردستان نموده های تجزیه طلبی ساز شده است، و کارگران و دهقانان مبارز و نیروهای سیاسی را که مخالف خود می بیند مرتب به توطئه چینی متهم می کند، این نشانه های توطئه جدیدی است که وسیله خود هشت حاکمه برای منطقه طرح ریزی شده است. ماضین محکوم کردن جعل و تحریف آشکار و اقیامات در رادیو تلویزیون و مطبوعات اعلام میداریم که توطئه گران همانا بزرگ مالکین و روسای عشایر، روحانیون مرتجع و قباذه موقت مزدور هستند که همگی تحت حمایت مستقیم هشت حاکمه قرار دارند و لذا مسئولیت هراتفاقی که رخ دهد مستقیماً بر عهده هیات حاکمه است.

ماتوجه خلقهای آگاه ایران را به جریاناتی که در منطقه کردستان میگذرد و توطئه هایی که در دست اجراست جلب کرده از آنان و تمامی نیروهای سیاسی مترقی دعوت می نمایم که در افشای هر چه بیشتر توطئه گران و خنثی کردن دسیسه های آنها بکوشند.

در پایان تصریح میکنیم که عدم شرکت ما در تظاهراتی که به دعوت حزب دمکرات صورت میگیرد بدان معنی نیست که ما تمام محتوای این تظاهرات و یا تمام مواد متدرج در قطعنامه های را که در این تظاهرات صادر خواهد شد نفی میکنیم، بلکه ما معتقدیم که تظاهرات نباید صرفاً بمنظور محکوم ساختن وسایل ارتباطی جمعی که غرور ایزاری است در دست هیئت حاکمه صورت گیرد بلکه باید اداره کنندگان رادیو تلویزیون و اساساً اعمال خود هیات حاکمه که توطئه بر علیه خلق کرد، توطئه سکوت، تحریف، جعل میباشد محکوم گردد.

بازگشت به کیهان

بقیه از صفحه ۱

قانونی آنان و دیگر همکارانشان، و اعتراضات گسترده مردم، هیچ مقام و مرجعی حاضر نشده درباره وضع آنها رسماً اعلام نظر کنند.

۳- علاوه بر ۲ عضو اجرایی کیهان، اکثر نویسندگان و غیر نگاران و گروهی از کارگران و کارکنان کیهان نیز، اعلام داشته اند، که حاضر به قبول شرایط تحمیلی صاحب موسسه نیستند، و با این روزنامه همکاری نمی کنند.

۳- به نظر می رسد، آنها که با پایمال کردن حقوق اجتماعی و شغلی ۲۰ روزنامه نگار و تحمیل اعتصاب تحریریه فعال، کیهان را غصب کرده اند، می خواهند در جو خفقان زده کیهان با بازگرداندن اقلیتی از تحریریه و خبرنگاران، که زیر فشار شدید روحی و اقتصادی توان ادامه مبارزه را ندارند، و انمود کنند که مسئله کیهان حل شده، و به این وسیله آبروی رفته را جبران کنند.

با توجه به تمام این مسائل، اعلام میداریم: که ما شرایط فعلی را به هیچ وجه برای همکاری با کیهان غصبی مناسب نمی دانیم و بازگشت به این موسسه را خدمت به مانور و اختناق تلقی می کنیم. برای مسئله کیهان، با ابعاد وسیع اجتماعی و ملی اش، مسئله است که هرگز خاتمه نخواهد یافت.

پس از اشغال سفارت مصر در آنکارا فلسطینی ها ۱۴ گروهان را کشتند

رادیو لندن - ۴ مرد مسلح فلسطینی سفارت مصر در آنکارا را اشغال کردند و سفیر و همه کارکنان سفارت را به گروهان گرفتند. بدنبال این حادثه کلیه جاده های منتهی به سفارت بسته شد و زره پوشها و هلی کوپترها وارد میدان عمل شدند و تیراندازان ماهر در سفارت مجارستان، در آن حوالی، موضع گرفتند. کابینه ترکیه جلسه فوق-

۷۰ نفر در اسپانیا کشته شدند

رادیو لندن - صبح پنجشنبه بر اثر حریق در یک هتل مجلل در شمال اسپانیا بیش از ۷۰ نفر کشته و ۴۷ نفر مجروح شدند. ظاهراً این حریق از آشپزخانه هتل و بر اثر شمشل شدن یک ماهی تابه پراز روغن آغاز شده و بدنبال آن یک مخزن نفت منفجر گشته و شعله های آتش به سایر طبقات هتل سرایت کرده است.

تظاهرات دیروز

بقیه از صفحه ۱

خبرنگار خارجی عاقبت توسط رئیس پاسدارها آزاد میشود. گزارش دیگری حاکی است که در «لینیک» منطقه احمدآباد، یک نوجوان ۱۶ ساله کشته شده است.

همچنین گفته شد شب پنجشنبه یک ناوچه نیروی هوایی بر اثر تیر اندازی گروهی ناشناس در شمال العرب غرق شد.

روزی پنجشنبه حدود ساعت ۱۱ شب، از درون تله های خرمشهر به اتومبیل پاسداران تیراندازی شد. گزارش های تایید شده حاکیست در این حادثه ۲ نفر کشته شدند. احتمال دارد یکی از کشته شدگان فرمانده پاسداران اعزامی از لرستان به خرمشهر باشد.

گفتگو با شیخ عیسی آل شبیر شیخ عیسی آل شبیر دیشب در تماس تلفنی به پیغام امروز گفت: پاسداران به راهپیمایی مسالمت آمیز مردم در آبادان حمله کردند و ۳ نفر را زخمی ساختند. حتی برای زخمی ها آمبولانس نفرستادند و آنها را با موتور سیکلت به خانه هایشان رساندیم. وی گفت: حدود ساعت ۷ بعد از ظهر نیز خبرهایی در مورد درگیری های تازه در آبادان به من رسیده است.

وی در مورد کشته شدن رئیس پاسداران اعزامی از خرم آباد به خرمشهر گفت: مردم می گویند شاید خود پاسداران توطئه ای کرده اند و او را کشته اند. چون این پاسدار معمای است.

شیخ عیسی گفت: در چند روز آینده حقایق مبهمی کشف می شود. دارند اینچنین ظلم و تحمیل می کنند. پاسداران به جزیره صلیبخ، نزدیک آبادان، رفته اند و به زنان دست درازی می کنند. همین چند ساعت قبل بزرگان جزیره آمده بودند اینجا تحصن کنند، اما من از آنها خواستم که به خانه هایشان برگردند. دوازده نفر از جوانان جزیره را گرفته اند و زندانی کرده اند.

وی گفت: انفجار منطقه خیلی نزدیک است. به دولت هم گفته ام. اما اصلاً بررسی نمی کنند. باید راجع به پاسداران تحقیق شود. مانعی توانیم بیشتر از این مردم را آرام نگه داریم. شیخ عیسی در مورد گروههایی مثل «چهارشنبه سیاه» و «صافه»

پس از اشغال سفارت مصر در آنکارا فلسطینی ها ۱۴ گروهان را کشتند

الماده برای بحث پیرامون این حادثه تشکیل داد. تهاجم هنگامی آغاز شد که فلسطینی ها با اتومبیل جلوی سفارت مصر پیاده شدند و تیراندازی کردند. سپس وارد سفارت شدند و همه کسانی را که در آنجا بودند به گروهان گرفتند. بر اساس گزارش رادیو ایران فلسطینی ها تا دیشب ۱۴ نفر از گروهانها را کشته اند.

۷۰ نفر در اسپانیا کشته شدند

تظاهرات دیروز

در حادثه قطار

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱

بقیه از صفحه ۱